

# سنجش کیفیت مجتمع‌های مسکونی از منظر

## پایداری فرهنگی در معماری

(مورد پژوهی: دو مجتمع مسکونی آسمان و ستارخان تبریز)

فرزانه صلاحی مهر<sup>1</sup> و پریسا هاشم‌پور<sup>2\*</sup>

تاریخ دریافت: 1402/01/16

تاریخ پذیرش: 1402/05/09

### چکیده

**مقدمه:** پایداری فرهنگی بر ارتقای کیفیت زندگی، حفظ و انتقال ارزش‌های ماندگار استوار است. پایداری فرهنگی نیازمند شناسایی ارزش‌های فرهنگی یک سرزمین و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از فرهنگ‌های جهانی است تا ضمن حفاظت از هویت فرهنگی خود، با شرایط و نیازهای زمان هماهنگ شده و کیفیت زندگی را بهبود بخشد. مسکن امروزی با ظهور فرهنگ‌های جهانی و نادیده گرفتن ارزش‌های بومی، هویت فرهنگی خود را از دست داده و با نادیده گرفتن مفهوم پایداری فرهنگی، فاقد کیفیت مورد نیاز مسکن جدید بوده است. این پژوهش تلاش نمود تصویری از وضعیت کیفی مجتمع‌های مسکونی تبریز به دست آورد و پایداری فرهنگی فضاهای سکونتی را با مد نظر قراردادن نیازهای نسل معاصر در بستر فرهنگی خود ارتقا دهد.

**روش تحقیق:** پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و راهبرد آن در بخش نظری، توصیفی-تحلیلی و در بخش میدانی، موردکاوی است. **نتایج و بحث:** در بخش نظری، پس از رسیدن به ابعاد پایداری فرهنگی شامل هویت فرهنگی و توسعه فرهنگی، با تأثیرگذاری مؤلفه‌های توسعه شامل تبادل، تکامل و تغییر بر ارزش‌های فرهنگی در معماری، شاخص‌های پایداری فرهنگی در معماری تبیین شد. در بخش میدانی، ارزیابی مجتمع‌های مسکونی آسمان و ستارخان، در سه مقیاس محیط، ساختمان و واحد مسکونی، به روش مشاهده و پرسش‌نامه انجام گرفت. مقادیر متغیر داده‌های کمی حاصل از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آزمون Fisher's Exact و Chi-Square تجزیه و تحلیل شد. جهت تعیین وضعیت پایداری فرهنگی در دو مجتمع مسکونی، تحلیل داده‌های حاصل از مشاهده و پرسش‌نامه، به روش مقایسه میانگین داده‌ها با اعمال ضریب و تفسیر آن‌ها به روش پرسکات‌الن انجام گرفت.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های حاصل از مقایسه مؤلفه‌های پایداری فرهنگی بین دو مجتمع مسکونی نشان می‌دهد، مجتمع آسمان در تمامی مؤلفه‌ها غیر از مؤلفه تبادل مردم‌واری، نسبت به مجتمع ستارخان، از امتیاز برابر یا بالاتری برخوردار است. در بعد توسعه فرهنگی، تبادل ارزش‌های فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی، بیشتر از تکامل یا تغییر آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در بعد هویت فرهنگی، مؤلفه‌های امنیت و آسایش، عدالت و مساوات، طهارت و صداقت و وحدت و نظم، پایداری بالقوه (خوب) و سایر مؤلفه‌ها، پایداری متوسطی دارند که راهکارهایی جهت بهبود پایداری این مؤلفه‌ها در مجتمع‌های مسکونی پیشنهاد شد.

**واژگان کلیدی:** هویت، توسعه، پایداری فرهنگی، مجتمع مسکونی، تبریز.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «ارزیابی و طراحی معماری مجموعه مسکونی در راستای ارتقای کیفی خانه با رویکرد پایداری فرهنگی» است که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز به انجام رسیده است.

<sup>1</sup>کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

<sup>2</sup>استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)



## 1- مقدمه

مفهوم پایداری که امروزه به عنوان یکی از مفاهیم اساسی توسعه مطرح می‌شود، تأمین نیازهای امروز را بدون به مخاطره انداختن نیاز آیندگان، مورد توجه قرار می‌دهد (Salehi Milani & Mohammadi, 2010). از میان ابعاد چهارگانه پایداری، بعد فرهنگی آن نسبت به دیگر ابعاد، کمتر مورد توجه واقع شده‌است. تمرکز رویکرد پایداری فرهنگی، بر هویت فرهنگی است و هدف آن دستیابی به تنوع و تمایز، یا به بیان دیگر تحقق تنوع فرهنگی است. در اعلامیه یونسکو (UNESCO, 2001; UNESCO, 2005). تنوع فرهنگی این چنین معنی شده است: «شیوه‌های مختلف تجلی فرهنگ نزد گروه‌ها و جوامع است که در میان آن‌ها دست‌به‌دست می‌شوند و از طریق روش‌های متنوع خلق، تولید، توزیع و ارزش نهادن، متجلی می‌شوند» (Salehi Milani & Mohammadi, 2010).

از میان عرصه‌های مختلفی که مجریایی برای تبلور فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شوند، پژوهش حاضر، بر روی پایداری فرهنگی در عرصه معماری تمرکز کرده است. معماری یک پدیده اجتماعی است که از فرهنگ ناشی شده و بر آن اثر می‌گذارد و آینه‌ای از اندیشه‌های آدمی در ارتباط با فضا، زیبایی‌شناسی و فرهنگ است. جهت‌گیری فرهنگ، بر پایه فطرت و اندیشه بشری صورت می‌گیرد که در راستای شکل دادن به فضای زندگی و پیدایش معماری تأثیرگذار است. این فضا یک نیاز بشری است و پاسخ‌گویی به این نیازها همواره در طریق عقل و فطرت الهی صورت می‌گیرد. فضای معماری بر پایه مفاهیم فرهنگی در طول زمان رشد و تعالی یافته و در بعد مکان ظهور می‌یابد. ویژگی‌های فرهنگی هر عصری را می‌توان در معماری آن شناخت، چرا که زمانی که معماری تحت تأثیر شرایط متفاوت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک دوره شکل می‌گیرد، به هنگام تشکیل یافتن می‌تواند صفاتی مختص به خود را بگیرد. وقتی عوامل ایجادکننده یک اثر (معماری) از بین بروند آن اثر امکان ادامه زندگی خواهد داشت. اگر این عوامل در تطابق با خواستارهای فرهنگی باشد آن معماری ریشه‌ای عمیق می‌گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار

باشند، اثر معماری حیات خود را از دست می‌دهد و عوامل جدید آن را حذف می‌کند (Diba, 1999).

با سرعت گرفتن روند جهانی شدن، تصویر عمومی بسیاری از ساختارهای معماری، به‌ویژه در کلان‌شهرها به سمت نوعی شباهت و یکنواختی در شکل و محتوا سوق داده شده است. به صورتی که این ساخت‌وسازها بیش از این‌که در هماهنگی با بستر محلی، فرهنگی و ارزش‌های آن باشند، به نمونه‌های مشابه خود در اقصی نقاط دنیا شباهت دارند (Sakhiniya et al., 2019). این روند، هویت فرهنگی متأثر شده از فرهنگ بومی در معماری سکونتی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در طراحی خانه‌های امروزی، مفاهیم فرهنگی، با توجه به تعاریف جهانی فرهنگ پدیدار می‌شوند؛ به گونه‌ای که وجه تمایز فرهنگی خانه ایرانی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. زمانی که این تغییرات، به تبعیت از فرهنگ‌های بیگانه و بدون هیچ پشتوانه‌های فکری در خانه‌های ایرانی رخ می‌دهد، شیوه زندگی انسان امروزی را تغییر می‌دهند؛ به گونه‌ای که به خواست‌ها و نیازهای جسمی و روحی نشأت گرفته از باورها و ارزش‌های درونی وی، توجهی نکرده‌اند. چنان که سلسله‌مراتب تأثیرگذاری ارزش‌های برگرفته از فرهنگ و جهان‌بینی بر شکل خانه، توسط دو عنصر مبانی نظری معماری و شیوه زندگی که از راه جهت‌دهی به سطوح میانی دیگری از جمله خواسته‌ها و نیازها، الگوهای فعالیتی جامعه مدنظر را شکل داده، تکمیل می‌شود (Yazdanfar et al., 2013).

از سویی دیگر، با رشد سریع جمعیت شهری، نیاز فراوان به مسکن، تنها با افزایش شاخص تراکم، پاسخ داده شده است؛ لذا فرهنگ، به عنوان مفهومی کیفی در مسکن، به دلیل محدودیت‌های ساخت‌وساز و کمبود فضای مورد نیاز، نادیده انگاشته شده و با تأثیر منفی بر کیفیت فضاهای زیستی، آن‌ها را به سکونتگاه‌های فیزیکی صرف تبدیل کرده‌است. از میان رفتن حرایم خصوصی، ایجاد اشرف، تخریب حرایم ارتفاعی و زدودن حیات واقعی در فضاهای باز نمودی است از عدم وجود برنامه‌ای کارآمد برای تدوین تراکم کالبدی که عوامل فرهنگی را به عنوان اصول پایه‌ای خود مدنظر قرار نداده است (Sakhiniya et al., 2019).

عدالت، طبیعت، تناسبات، حریم، امنیت و مشارکت استخراج شده‌است.

در راستای شناسایی ارزش‌های بومی معماری ایرانی و تداوم استفاده از ارزش‌های تکرارپذیر در معماری معاصر ایران، نیک‌فطرت و بیطرف (2016) در مقاله «بررسی تأثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایداری» افزایش پایداری ارزش‌های معماری بومی و تداوم استفاده از آنها در جهت جهانی‌شدن را آشکار کرده‌اند. خوش‌اندام، وزیری و حاتمی‌خانقاهی (2018) در مقاله «راهکارهای حفظ ارزش‌های معماری بومی در طراحی بناها و محلات معاصر شهر اردبیل» با استفاده از راهکارهای مختلف به حفظ ارزش‌های معماری بومی و شناساندن آن به مردم و چگونگی استفاده در معماری امروز پرداخته‌اند. ضرغامی و همکاران (2015) در مقاله «بررسی تطبیقی معماری پایدار و مطابقت آن با معماری بومی خانه‌های سنتی در شهر ایرانی-اسلامی» به تدوین اصول معماری بومی که با مؤلفه‌های معماری پایدار تطبیق دارد و شیوه‌های احیاء و دوباره‌به‌کارگیری آنها پرداخته‌اند.

این پژوهش جهت تبیین شاخص‌های پایداری فرهنگی برای ارزیابی مجتمع‌های مسکونی، قائل به ابعادی فراتر از بعد هویت فرهنگی و ارزش‌های بومی متأثر از آن بوده و در تلاش است، پس از دستیابی به مؤلفه‌های هویت فرهنگی، با تعریف بعد دیگری از پایداری فرهنگی، جهت پایداری این مؤلفه‌ها و نحوه تداوم آنها در معماری معاصر و به‌ویژه مسکن معاصر گام بردارد؛ به‌طوری‌که افزون بر حفظ ارزش‌های بومی، از الزامات عصر حاضر و نیازهای نسل معاصر در حوزه مسکن غافل نماند. چیزی که تقریباً در پژوهش‌های مرتبط پیشین مغفول مانده؛ به‌طوری‌که شاخص‌های تبیین شده برای پایداری فرهنگی، در یک بعد شناسایی شده‌اند.

## 1-2-1- چارچوب نظری

### 1-2-1- پایداری فرهنگی

پایداری فرهنگی به مفهوم حفظ ارزش‌های ماندگار و انتقال آن به نسل‌های آینده است (Salehi Milani & Mohammadi, 2010). از نقطه نظر فلسفی، پیلتی و

هدف اساسی پژوهش حاضر این است که با دست‌یافتن به شاخص‌های پایداری فرهنگی در معماری و ارزیابی مجتمع‌های مسکونی براساس این شاخص‌ها، تصویری کلی از وضعیت کیفی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز به دست آورد و نقش خود را در ارتقای هویت فرهنگی مسکن جدید، با مدنظر قرار دادن الزامات عصر حاضر و نیازهای نسل معاصر در آن ایفا کند. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که چه ابعاد و مؤلفه‌هایی در پایداری فرهنگی معماری مؤثرند؟ و وضعیت پایداری فرهنگی مجتمع‌های مسکونی تبریز، براساس این ابعاد و مؤلفه‌ها چگونه است؟ بدین منظور، در بخش نظری، پس از رسیدن به ابعاد پایداری فرهنگی، مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در زمینه معماری استخراج و براساس آن شاخص‌های پایداری فرهنگی در مسکن، در سه مقیاس مسکونی تبیین شد. در نهایت براساس این شاخص‌ها و با بهره‌گیری از روش مشاهده و پرسش‌نامه در بخش میدانی، ارزیابی دو مجتمع مسکونی آسمان و ستارخان تبریز انجام شد.

## 1-1- مروری بر پیشینه پژوهشی

جهت تدوین شاخص‌های پایداری فرهنگی در مسکن، مفیدی (2018) در کتاب «شاخص‌های پایداری فرهنگی-اجتماعی در حوزه مسکن» به بررسی شاخص‌های پایداری فرهنگی-اجتماعی متکی بر ارزش‌ها، اهداف و عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی ساکنین از فضای سکونتگاهی و درک محتوای فرهنگی-اجتماعی در پایداری ساختاری کاربری‌های مسکونی پرداخته‌است. سخی‌نیا و همکاران (2019) در مقاله «بررسی شاخص‌های کیفی پایداری فرهنگی در پیوند با شاخص‌های کمی تراکم کالبدی (مطالعه موردی: سه مجموعه مسکونی در تبریز)» و همچنین سخی‌نیا و همکاران (2020) در مقاله «پایداری فرهنگی، تراکم و گونه‌شناسی مسکن مطالعه موردی: نمونه‌هایی از عرصه‌های مسکونی تبریز» به بررسی نقش تراکم در فرم و کالبد و تأثیر آن بر پایداری فرهنگی مجتمع‌های مسکونی پرداخته‌اند و شاخص‌های پایداری فرهنگی، به روش دلفی و با دیدگاه صاحب‌نظران در 6 شاخص

رینالدین (Pilotti and Rinaldin, 2004) چنین مطرح می‌کنند که پایداری منابع فرهنگی به معنای افزایش کیفیت زندگی به مرور زمان و تحت تأثیر افزایش ادراک از خویشتن است. پایداری فرهنگی به این معنی است که یک پروژه یا برنامه به جای رویارویی با ارزش‌های فرهنگی محلی باید آن‌ها را بپذیرد و به تقویت و توسعه آن‌ها کمک نماید (Heydari, 2013). در جدول 1 تعدادی از دیدگاه صاحب‌نظران در رابطه با پایداری فرهنگی جهت تبیین ابعاد تشکیل‌دهنده آن گردآوری شده است. بسیاری از این دیدگاه‌ها، به‌طور کلی به چهار بعد هویت فرهنگی، توسعه فرهنگی، سرمایه فرهنگی و خدمات فرهنگی اشاره دارند که نهایتاً دو بعد اساسی هویت فرهنگی و توسعه فرهنگی در بسیاری از این دیدگاه‌ها

مشترک بوده و به‌عنوان ابعاد سازنده رویکرد پایداری فرهنگی در این پژوهش مطرح می‌شوند. بعد هویت فرهنگی: ذائقه مشترک، به ما هویتی دیگر می‌دهد که دیگران از آن نصیبی ندارند، همان هویت فرهنگی ما را تشکیل می‌دهد و معطوف به اندیشه‌ها، آرا و ذهنیت‌هایی است که یک جامعه و یک نسل حامل و واجد آنهاست (Sahebi, 2005). موضوع هویت، یا این همانی، موضوعی متقابل است. یعنی همان گونه که محیط جلوه‌ای از فرهنگ و ارزش‌های جامعه است، انسان نیز قسمتی از هویت خویش را در محیط و شهر در خانه و محل کار خویش جستجو کرده، به آن مباحثات می‌کند و یا از انتساب به آن گریزان است. در واقع محیط نیز به‌عنوان بخشی از هویت فرد یا جامعه ایفای نقش

جدول 1- دسته‌بندی ابعاد پایداری فرهنگی براساس دیدگاه صاحب‌نظران

Tab. 1- Classification of dimensions of cultural sustainability based on the opinion of experts

صاحب‌نظران	رویکرد	ابعاد پایداری فرهنگی از دیدگاه صاحب‌نظران	ابعاد پایداری فرهنگی
Doubleday et al (2004)	پایداری فرهنگی	ادراک فعالانه و هم‌زمان فرهنگ، اهمیت مکان جغرافیایی	هویت فرهنگی
Steward (1972)	بوم‌شناسی فرهنگی	تنوع فرهنگی	هویت فرهنگی
		تکامل فرهنگی	توسعه فرهنگی
Roseland (2005)	پایداری فرهنگ؛ سرمایه‌های فرهنگی	نسبت‌ها و ارزش‌ها، تنوع اجتماعی	هویت فرهنگی
		میراث و مکان، هنرها و تاریخ اجتماعی	سرمایه فرهنگی
Bakri, 2018	نقش فرهنگ در اجرای مفهوم پایداری	بهره‌گیری از فرهنگ بومی	هویت فرهنگی
		توسعه ارزش‌های پایدار	توسعه فرهنگی
Hegazy, 2015	پایداری فرهنگی بین سنتی و معاصر	حفظ هویت و تداوم ارتباط سنت و معاصر	هویت فرهنگی
		ار تباط سنت و معاصر	هویت و توسعه
Molina Neira, 2018	پایداری فرهنگی	ظهور و عمل فرهنگ جدید و سنتی / فرایند خلاقانه مداوم و بیان فردی و جمعی آزاد/ پیوند گذشته و حال	هویت و توسعه
		حفظ هویت، تقابل با اثرات جهانی‌شدن، تحقق حس مکان	هویت فرهنگی
		توجه به موضوع میراث مذهبی و ملی	سرمایه فرهنگی
		تحقق توسعه فرهنگی	توسعه فرهنگی
		تأکید بر هنر، آموزش و خدمات فرهنگی	خدمات فرهنگی
		توانایی حفاظت از هویت فرهنگی	هویت فرهنگی
		رواداری تغییر، در تطابق با ارزش‌های فرهنگی مردم	توسعه فرهنگی
		پاسداری از ارزش‌ها و نهادها	هویت فرهنگی
		تداوم الگوهای نوسازی و تغییرات تداوم فرهنگی	توسعه فرهنگی
		پذیرش، تقویت و توسعه ارزش‌های بومی به‌جای رویارویی	هویت و توسعه
Lynch, 2002	شکل خوب شهر: تداوم فرهنگی و پایداری	تداوم فرهنگ	هویت فرهنگی
		توسعه	توسعه فرهنگی
Salehi Milani & Mohammadi, 2010 UNESCO, 2001-2005	پایداری، هویت و تنوع فرهنگی	تنوع و تمایز فرهنگی: چندگانگی فرهنگی جوامع مختلف	هویت فرهنگی
		توجه به ابزارهای چندبعدی انتقال فرهنگ	توسعه فرهنگی
		پاسداشت تنوع فرهنگی: صیانت از تنوع فرهنگی	هویت فرهنگی
Tavakoli, 2011		توسعه تنوع فرهنگی: تشویق گفتگو بین فرهنگ و تمدن‌ها	توسعه فرهنگی

بعد توسعه فرهنگی: مفهوم توسعه فرهنگی از اوایل دهه 1980 از سوی یونسکو در مباحث توسعه طرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار و تأکید بیشتری بر نیازهای غیر مادی افراد جامعه دارد (Azkia & Ghaffari, 2005). هر اندازه توسعه فرهنگی در سطوح و مراحل مختلف خود بیشتر با فرهنگ بومی و محلی عجین باشد، زمینه پایداری آن بیشتر فراهم می‌شود (Mofidi, 2018). براساس جدول 2 تعاریف متعددی که از توسعه فرهنگی ارائه می‌شود، بر جنبه‌های مختلفی از آن دلالت دارد.

با نگاهی به دیدگاه صاحب‌نظران در زمینه توسعه فرهنگی، این نتیجه حاصل می‌شود که بسیاری از تعاریف ارائه شده در زمینه توسعه فرهنگی، بر سه مؤلفه اساسی توافق نظر دارند که مشتمل بر مؤلفه‌های تبادل فرهنگی، تکامل فرهنگی و تغییر فرهنگی است. پایداری فرهنگی با دارا بودن رویکرد «توسعه فرهنگی» به دنبال تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از فرهنگ‌های جهانی است تا.

می‌نماید و در نتیجه آگاهانه یا ناآگاهانه ارزش‌های پنهان در خویش را که بر اساس آنها شکل گرفته به جامعه القا می‌کند (Naghizadeh, 2002). هنگامی فرهنگ جامعه‌ای عامل و زمینه حیات تکاملی انسان (فرد و جامعه) است که نخست زمینه‌ها و مختصات فرهنگی از اصول، اعتقادات و باورهای جامعه نشأت گرفته باشند، و دوم صاحبان فرهنگ در پی نمایش و تجلی اصول و مبانی فرهنگی خویش باشند، و سوم مختصات فرهنگی را به عنوان ویژگی‌ها و هویت خویش پذیرفته و مروج آن باشند (Naghizadeh, 2002). می‌توان گفت پایداری فرهنگی با دارا بودن رویکرد «هویت فرهنگی» در راستای دستیابی به تنوع فرهنگی است. مکان و فضا تأمین‌کننده عناصر و اجزای اساسی هویتند. توجه به ارزش‌های فرهنگی یک مکان، سبب شکل‌گیری حس تعلق به مکان و در پس آن هویت مکانی می‌شود. بنابراین هویت فرهنگی، نیازمند شناسایی ارزش‌های فرهنگی خاص یک سرزمین است.

جدول 2- دسته‌بندی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی براساس دیدگاه صاحب‌نظران

Tab. 2- Classification of the components of cultural development based on the opinion of experts

صاحب‌نظران	رویکردها و اهداف توسعه فرهنگی	مؤلفه‌های توسعه فرهنگی
Mofidi, 2018	اشاعه ایده‌ها، افکار و آداب‌ورسوم ملی و بومی جامعه در قالب ارتباطات نمادین فرهنگی و نشانه‌های ملی و بومی در عصر حاضر، همپای سایر فرهنگ‌های جوامع مؤثر در جهان	تبادل
Pahlavan, 2002	خلق یا تغییر یک فرهنگ جدید، ایجاد و تغییر سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و تغییر باورها و اعتقادات مردم، تغییر الگوهای زائد رفتاری، شناختن و روی آوردن به آرمان‌های مطلوب‌تر	تغییر
Behzadi et al., 2021	افزایش حجم مبادلات فرهنگی / تعامل‌زا و متقابل ارتقای خلاقیت و نوآوری / تعمیق نگرش‌ها و تقویت هویت فرهنگی	تبادل تکامل
Soudmand et al., 2021	شناخت سازوکارهای تبادل فرهنگی، شناخت ابزارهای جدید ارتباطی و فرهنگی بررسی تحولات جهانی فرهنگ‌ها	تبادل تغییر
UNESCO, 1997	اصول ساختاری فرهنگ، ارتباط، انعکاس و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگی، ارتباطات فرهنگی	تبادل
Panahi, 2014	اعتلای زندگی در جامعه / ارتقا اصول اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هویت فرهنگی	تکامل
Lehsayizadeh, 2007	ابزار برنامه‌ریزی / خلاقیت خاص در هر دوره تاریخی	تغییر
Nakhaei, 2010	هم‌زیستی ملت‌ها، برقراری ارتباط و شناخت متقابل از یکدیگر، محترم شمردن اصل تنوع فرهنگ‌ها	تبادل
Gravand, & Parvaneh, 2016	رشد و توسعه فرهنگی و رشد و تعالی انسانی هم‌زمان و دست‌به‌دست هم	تکامل
Maleki et al., 2015	توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های فرهنگی برای تمام شهروندان، ترقی و تکامل	تکامل
Tavasoli, 1994	ارتقا و اعتلای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب برای فراهم‌ساختن زمینه مناسب رشد و تعالی انسان‌ها	تکامل
Maleki et al., 2015	ایجاد تحول و خلق ارزش‌ها، روابط اخلاقی و هنجارهای مناسب برای ارضای نیازهای آدمی	تغییر
Maleki et al., 2015	ایجاد تغییر و تحول در عناصر فرهنگ به‌منظور انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی و نیازهای زمانه	تغییر
Tavasoli, 1994	تغییر در حوزه‌های ادراکی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، کنارگذاشتن خرده‌فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای	تغییر

ضمن حفاظت از هویت فرهنگی خویش، با شرایط عصر حاضر و دنیای مدرنیته هماهنگ شود و در کنار ترویج فرهنگ خود، به ارتقای کیفیت شئون فرهنگی خویش دست یابد در نتیجه پایداری فرهنگی با ارتباط متقابل دو عنصر اساسی هویت فرهنگی و توسعه فرهنگی تعریف و تفسیر می‌شود. قرارگیری دو عنصر اساسی هویت فرهنگی و توسعه فرهنگی در کنار هم، منجر به حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی ماندگار، بهبود کیفیت زندگی و در نهایت تحقق پایداری فرهنگی می‌شود (شکل 1).

## 2-2-1- پایداری فرهنگی در معماری

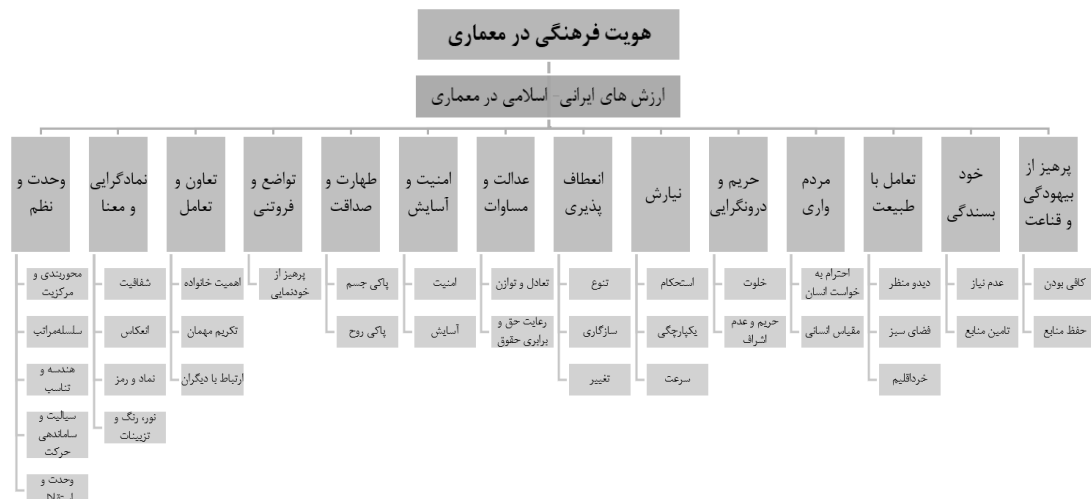
معماری یکی از عمده‌ترین محورهایی است که در عین برآوردن نیاز انسان به سرپناه و محیط مصنوع، رابطه‌ای تنگاتنگ با فرهنگ برقرار می‌سازد. همان گونه که فرهنگ در شکل‌گیری معماری یک جامعه نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، معماری نیز همواره در مقام فرهنگ‌سازی حضور داشته و این ارتباط را کامل می‌کند (Alimohammadi & Abdollahi, 2017). با توجه به ارتباط دو سویه فرهنگ و معماری، پایداری فرهنگی در معماری، براساس تعاریفی که از پایداری فرهنگی ارائه شده است، می‌تواند به صورت پذیرش ارزش‌های فرهنگی بومی در معماری و کمک به تقویت و توسعه آن‌ها در کالبد معماری تعریف شود. بنابراین پایداری فرهنگی در معماری نیز با دو عنصر اساسی هویت فرهنگی و توسعه

فرهنگی در معماری تبیین می‌شود. هویت را می‌توان تجلی فرهنگ در محیط دانست. زیرا مکان‌ها از انسان معنا می‌گیرند و انسان نیز مجموعه‌ای از باورها و اندیشه‌هاست که فرهنگ او را شکل می‌دهد و نمودی از فرهنگ انسان را در مکان و محیط می‌توان مشاهده کرد که همان هویت اوست (Parvizi, 2009). به علت وابستگی عنصر هویت فرهنگی به مکان و ارزش‌های بومی وابسته به آن، این عنصر به طور مختص در جغرافیای خود بررسی می‌شود. همچنین در فرهنگ و معماری ایران همواره رد پای دین و اسلام مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که به عنوان جهان‌بینی دینی، مورد توجه معماران دوره‌های مختلف قرار گرفته است. بنابراین دو لایه اساسی برای تحقق هویت فرهنگی در معماری ایران شناسایی می‌شود که شامل ارزش‌های بومی (ایرانی) و ارزش‌های دینی (اسلامی) در معماری است. تمامی ارزش‌های شناخته شده در معماری بومی ایران و معماری اسلامی در چهارده ارزش کلی طبقه‌بندی می‌شوند که بسیاری از ارزش‌های ریز را در خود نهفته دارد و به عنوان ارزش‌های ایرانی\_اسلامی در معماری، منجر به تحقق بعد هویت فرهنگی در معماری می‌شود (Salahimehr & Hashempour, 2022). شکل 2 به معرفی این ارزش‌ها و ریز ارزش‌های مرتبط با آن می‌پردازد.



شکل 1- تحلیل عناصر سازنده پایداری فرهنگی و ارتباط آنها

Fig. 1- Analysis of the constituent elements of cultural sustainability and their relationship



شکل 2- ارزش ها و ریز ارزش های معماری ایرانی\_اسلامی جهت تحقق هویت فرهنگی در معماری (Salahimehr & Hashempour, 2022)

Fig. 2- Values and sub-values of Iranian-Islamic architecture to realize cultural identity in architecture (Salahimehr & Hashempour, 2022)

زمینه ساز درک این نوع از معماری، گفت و گو و تبادل ارزش های نهفته در آن است.

ب) تکامل ارزش های معماری: ارتقا و اعتلای شئون فرهنگی جامعه، بر اساس شرایط و نیازهای شکل گرفته در هر برهه زمانی، به منظور بهبود وضعیت و یا هماهنگی با شرایط زمانی ضروری است. معماری به عنوان هنری کاربردی، با تبعیت از شرایط و اقتضائات زمانی، نیازمند اصلاحات و تکامل ارزش های فرهنگی خود جهت هماهنگی با جریان زندگی و بهبود کیفیت آن است. به همین علت است که برخی از ارزش های فرهنگی، قابلیت تکرار پذیری در معماری معاصر را به همان شیوه ای که در معماری گذشته استفاده شده است، ندارد. بنابراین ارتقا و تکامل ارزش های فرهنگی در معماری با بهره گیری از دانش و فناوری روز، توجه به الزامات و مفاهیم زندگی معاصر و خلاقیت در بهره گیری از آن ها موجب می شود تا این ارزش ها از یک سو به نیازهای زندگی انسان معاصر پاسخ دهند و از سویی دیگر، قابلیت شناخت فرهنگ به واسطه کالبد معماری و انتقال آن در بعد مکانی و زمانی را فراهم آورند.

ج) تغییر ارزش های معماری: تحولات فرهنگی جامعه، بر اساس شرایط و الزامات پیش آمده در هر دوره زمانی، به منظور تغییر شرایط و یا اصلاح الگوهای زائد رفتاری ضروری است. برخی از ارزش های فرهنگی، قابلیت بهره گیری یا تکرار پذیری در معماری معاصر را به

با مبنا قراردادن سه مؤلفه توسعه، که به صورت تبادل، تکامل و تغییر ارزش های فرهنگی تبیین شده است، می توان ارزش های بومی (ایرانی\_اسلامی) را با مد نظر قرار دادن اندیشه های محلی و با در نظر گرفتن توان و دانش جهانی معماری معاصر و با آهنگی امروزی و متناسب با نیاز زمان توسعه داد. پیوند گذشته به حال و تداوم آن در آینده، در کنار بهره گیری از دانش روز و رصد فرصت ها و تهدیدها و مواجهه فعال و خلاق با آن ها از طریق تعامل بین فرایندهای جهانی و محلی، درون مایه راهکارهای پیشنهادی برای معماری معاصر ایران را تشکیل می دهند (Asefi, & Imani, 2012).

الف) تبادل ارزش های معماری: انتقال فرهنگ چه در بعد زمانی و چه در بعد مکانی آن از طریق نمادها و به زبان نمادین روی می دهد. معماری به عنوان هنری نمادین که تاریخ و فرهنگ، ذوق و اندیشه و هنر یک جامعه را در خود نهفته دارد، می تواند بستری برای گفت و گو، انتقال و تبادل ارزش های فرهنگی آن جامعه باشد. بسیاری از ارزش های فرهنگی، قابلیت بهره گیری و تکرار پذیری در معماری معاصر را به همان شیوه ای که در معماری گذشته استفاده شده است، دارد. اما معماری به عنوان هنر نمادین، برای این که بستر تبادل و انتقال این ارزش ها باشد، باید به زبان معماری معاصر ترجمه شود. از این روی تکامل و تغییر ارزش های معماری متناسب با الزامات و مفاهیم زندگی معاصر،

زندگی، لزوم معرفی ارزش‌های جدیدی را در ساحت معماری و زمینه‌های کالبدی و کارکردی آن ایجاد نموده است. بهره‌گیری از علم و فناوری و استفاده از خلاقیت در ارائه مفاهیم فرهنگی، افزون بر ارائه ارزش‌های نوظهور در معماری، قابلیت درک فرهنگ به‌واسطه کالبد معماری و انتقال آن در بعد زمانی و مکانی را فراهم می‌آورد.

در جدول 3 شاخص‌های پایداری فرهنگی در معماری ایران، با تأثیر مؤلفه‌های توسعه بر ارزش‌های ایرانی\_اسلامی و تبادل، تغییر و تکامل این ارزش‌ها در ارتباط با شرایط فرهنگ و معماری جهان معاصر تبیین می‌شوند.

همان شیوه‌ای که در معماری گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ندارند. سرعت و محدودیت‌های زندگی معاصر دیگر اجازه بروز چنین ارزش‌هایی را به همان صورت که بوده‌اند، نخواهد داد و لازم است تغییراتی در شیوه بروز آن‌ها متناسب با نحوه زندگی در عصر حاضر فراهم شده و یا اصلاحاتی انجام شود. از سویی در طول زمان، معماری شاهد برخی تحولات مغایر با ارزش‌های فرهنگی خود بوده و لازم است نسبت به اصلاح این الگوهای زاید اقدام شود. برخی از ارزش‌های فرهنگی نیز پیش از این وجود نداشته و انسان گذشته نیز بر وجود آن، احساس نیاز نمی‌کرده است. اما الزامات و مفاهیم زندگی امروزی و افزایش ارتباطات و سرعت

جدول 3- تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایداری فرهنگی در معماری ایران؛ ارتباط دو بعد هویت فرهنگی و توسعه فرهنگی در معماری

Tab. 3- Explanation of the components and indicators of cultural sustainability in Iranian architecture; The relationship between the dimension of cultural identity and the dimension of cultural development in architecture

تعامل با طبیعت			خودبسندگی		پرهیز از بیهودگی و قناعت		هویت توسعه
خرد اقلیم	فضای سبز	دید و منظر	تأمین منابع	عدم نیاز	حفظ منابع	کافی بودن	
دید و چشم‌انداز افقی و مستقل (معماری افقی). حضور ملموس عناصر طبیعت (آب، گیاه و...) امکان بهره‌گیری صحیح و کافی از مواهب طبیعی مانند نور، باد، سایه، حرارت و برودت			بهره‌گیری از سامانه‌های ایستا (جهت‌گیری و نورگیری مناسب، تهویه طبیعی) برای تأمین انرژی جای‌گیری ریز فضاها بر اساس اولویت نیاز به نور		عدم وجود تزیینات بیهوده ضمن استفاده از تزیینات کاربردی (عیق، کنترل نور) افزایش عمر مفید بنا (بهبود کیفیت) کاهش اتلاف انرژی توسط تکنیک طراحی		تبادل
بازآفرینی عناصر نمادین طبیعت و استعاره‌های نو از طبیعت همانند شمشه‌ها، تریج‌ها و ...			متناسب‌سازی عناصر و مصالح بومی منطقه در نما مطابق شیوه‌های جدید ساخت جهت کاهش هزینه و همگون سازی بنا با محیط و افزایش ظرفیت حرارتی بنا هم‌جواری کاربری‌های مرتبط خدماتی		کاهش حداکثری اتلاف انرژی به کمک اجزاء، عناصر و مصالح نوین و هوشمند عیق‌سازی عناصر ساختمانی سبک‌سازی سازه و کاهش هزینه رعایت وسعت فضاها براساس سرانه		تکامل
دید و چشم‌انداز مناسب نسبت به محیط بیرونی حضورپذیری فضاهای باز عمومی و جمعی			بهره‌گیری از سیستم‌های تصفیه و استفاده مجدد و سامانه‌های مولد انرژی که قابلیت بهره‌برداری از منابع طبیعت را دارند. استفاده هم‌زمان از مصالح مدرن و بومی در نما		سبک‌سازی، تخلخل و ترکیب مصالح بومی در دیوارهای داخلی عدم اتلاف انرژی با سیستم‌های هوشمند عدم وجود فضاهای پرت و غیرقابل استفاده		تغییر
نیارش			حریم و درون‌گرایی		مردم‌واری		هویت توسعه
یکپارچگی	سرعت	استحکام	حرایم و عدم اشرافیت	خلوت	مقیاس انسانی	خواست مردم	
طراحی مدولار جهت سهولت تعمیر			عدم اشرافیت و بسته‌بودن دید از اطراف فیلترسازی فضاها فضاهای مذهبی در هم‌جواری و جهت‌گیری به سمت قبله		ارتفاع مناسب و انسانی کالبد خارجی بنا و فضاهای داخلی پاسخگویی مناسب به فعالیت‌های متناسب هر فضا		تبادل





تکمیل	. طراحی بنا با محوریت استاندارد . بهره‌گیری از طرح‌های مشارکتی مردم . ارتقای انتظارات و دانش مردم از طراحی و داشتن حق انتخاب		. دستیابی به مکان‌یابی صحیح عرصه‌های فضایی متناسب با الگوهای جدید رفتاری . رعایت حریم شنیداری توسط ابزارهای کاهنده صدا . وجود فضاهای خلوت پذیر عمومی . شخصی‌سازی فضاها . سیستم‌های ارتباط با بیرون (آیفون، چشمی در)		. استفاده از سیستم‌های سازه‌ای پیشرفته و جدید با مقاومت بالا در برابر زلزله‌های منطقه . هماهنگی سازه با کالبد بنا؛ به طوری که سازه بخشی از کالبد بنا و یکپارچه با آن باشد . بهره‌گیری از روش‌های اجرایی نوین و سریع	
	. تکدیگ کاهش بصری مقیاس فرا انسانی بنا . پیاده محوری و رعایت ضوابط معلولان . حذف یا جایگزینی فضاها براساس نیازهای جدید متناسب با هر کاربری		. رعایت حریم بصری با حفظ دید (بدون استفاده از پنجره‌های کم ارتفاع و پرده) . متغیر و محدود بودن ارتباط برخی فضاها در تناسب عملکردها و رفتارهای مختلف		. بهره‌گیری از سیستم‌های ساخت با سرعت اجرای زیاد	
هویت	انعطاف پذیری		عدالت و مساوات		امنیت و آسایش	
توسعه	تنوع	تغییر	سازگاری	تعادل و توازن	رعایت حق و برابری حقوق	آسایش روانی
تبادل	. انواع کیفیت‌های فضایی باز، نیمه‌باز و بسته . قابلیت جمع و تفکیک فضای مرتبط و محدود به وسیله ابزارهای جداکننده یا دسترسی خنثی در شرایط مختلف رفتاری		. تقارن یا تعادل در نما، حجم، پلان و سایت (محوطه) . وجود ریتم . مکان‌یابی صحیح کاربری‌ها . تناسب وسعت در فضاها براساس عملکردشان		. تعریف فیزیکی محدوده بنا . قرارگیری در جوار کاربری‌های متناسب و متجانس و ارتباط با شریان‌های اصلی شهر . امنیت و نظارت پذیری فضاها و مسیرها	
	. تغییر پذیری و تنوع پذیری فعالیت در فضاها برای کاهش فضاها تک عملکردی . سیستم‌های نوین تطبیق پذیر با نور، دما، باد		. مشخص بودن محدوده مرز مالکیت بنا و عدم اختلال در آن (حق فینا) . تعادل در میزان فضای باز و بسته (تراکم مناسب)		. سلسله مراتب دسترسی تعریف شده . مدیریت بحران عوامل طبیعی (سیستم اطفای حریق، مقاوم در برابر زلزله)	
تغییر	. قابلیت تعمیر پذیری سیستم‌های ساختمانی		. عدم وجود کاربری‌های ز بان‌رسان در هم‌جواری (اشعه‌زا، دودزا) . تأمین کیفیت لازم (نور، تهویه) در همه فضاها . عدم اشرافیت و پرهیز از بلندمرتبه‌سازی جهت رعایت حقوق همسایگان (باز بودن دید از بنا) و رعایت حقوق شهروندان (باز بودن دید در شهر)		. عدم وجود کاربری‌های صدازا در هم‌جواری و کنترل آلودگی‌های صوتی محیط . استفاده از اجزا، عناصر و سیستم‌هایی با ضریب امنیت بالا	
	. طهارت و صداقت		تعامل و تعاون		تواضع و فروتنی	
توسعه	پاکی جسم	پاکی روح	اهمیت خانواده	تکریم مهمان	ارتباط با دیگران	پرهیز از خودنمایی
تبادل	. جدایی فضای تمیز از کثیف . اهمیت حضور عنصر آب به شیوه نمادین و کاربردی		. تعریف ورودی و دعوت‌کنندگی بنا . اهمیت و اولویت فضاها عمومی (مختص مهمان) نسبت به سایر فضاها		. همسویی بنا با محیط و عدم تفوق ظاهری آن بر بناهای دیگر (پرهیز از تشخیص کالبدی) . تعریف شخصیت بنا (تفاوت کنترل شده)	
	. رفع مشکل کمبود آب در بنا و امکان تأمین آب کافی در فصول مختلف		. وجود فضاها و کاربری‌های اجتماع پذیر در محوطه یا هم‌جواری (فضاهای فرهنگی، فضاهای سبز عمومی) . اجتماع پذیری فضاهای عمومی		. پیروی از خط آسمان با فیت (و یا هماهنگی با آن)	
تغییر	. درست کاری سازندگان و عدم سودجویی غیراخلاقی آن‌ها هنگام ساخت و ساز . مکان‌یابی صحیح برای فضاهای خشک و تر		. تغییر و افزایش میزان ارتباط برخی فضاها متناسب با عملکردهای مختلف رفتاری . تعریف کاربری‌های کم کاربرد به صورت مشترک و عمومی (مختص مهمان)		. عدم استفاده از تزئینات افراطی در بنا	

وحدت و نظم				نمادگرایی و معنا			هویت
وحدت و استقلال	سیالیت و سامان‌بندی حرکت	هندسه و تناسب	سلسله مراتب	محوربندی و مرکزیت	نور، رنگ و تزیینات	شفافیت نماد و رمز	انعکاس
. مرکزیت یا محوربندی در ساماندهی توده و فضا . وحدت و یکدستی شکل نهایی و متمرکز بودن بافت . جهت‌گیری مشترک کالبدی . وجود سلسله‌مراتب فضایی باز، نیمه‌باز و بسته . وجود سلسله‌مراتب فضایی عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی . رعایت ابعاد، اندازه‌ها و تناسب‌ها در توده و فضا				. شفافیت در مصالح موجود در چشم‌انداز اصلی و گسترش دید . اهمیت به فضای تهی و افزایش آن . تقویت جبهه نوری و کاربرد نور طبیعی . تجزیه رنگ و شکل نور با استفاده از تزیینات نورگیر کاربردی . استفاده از آیات قرآنی و رنگ‌های زنده به‌صورت محدود			تبادل
. حرکت در فضا به‌واسطه گشایش‌های فضایی یا فرم‌های سیال و منعطف				. خاصیت تکمیل‌کنندگی و انعکاس اجزا، عناصر، مبلمان‌ها . استفاده از تزیینات کاربردی و زیبایی‌شناسانه معماری ایرانی به روش جدید، ساده‌شده و متناسب با سبک معماری بنا . تنوع رنگ، الگوها و تضادهای رنگی			تکامل
. به‌کارگیری هندسه منظم یا نامنظم (بدیعانه) در ترکیب‌بندی توده و ساماندهی فضاها				. استفاده از مصالح سبک و جدید/ ظهور نور و سبک‌سازی ماده			تغییر

## 2- روش تحقیق

این تحقیق از نوع کیفی-کمی و از نظر هدف، کاربردی است. راهبرد پژوهش، در بخش نظری که شامل شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایداری فرهنگی در معماری است، توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای است. 42 مؤلفه پایداری فرهنگی در معماری، از ارتباط ماتریس‌مانند بعد هویت فرهنگی با 14 مؤلفه و بعد توسعه فرهنگی با 3 مؤلفه شکل گرفته و به 98 شاخص پایداری فرهنگی در معماری تبدیل شده‌اند. در بخش میدانی، از راهبرد کلی موردکاوی استفاده شده است. در بررسی‌های موردی به نوع خود از ترکیب شیوه‌های گوناگون گردآوری اطلاعات و تحلیل استفاده می‌شود. شیوه گردآوری اطلاعات در بخش میدانی، ابزار پرسش‌نامه و مشاهده بوده است. جهت انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش، در مرحله اول مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز مورد بررسی قرار گرفت و از این میان دست‌کم 10 مجتمع مسکونی در گونه‌های مشابه با بلوک‌های نقطه‌ای پراکنده و بلندمرتبه شناسایی شد. در مرحله بعدی، تعدادی از این مجتمع‌های مسکونی به دلیل در حال ساخت بودن و عدم امکان بهره‌برداری

کامل از آن، کنار گذاشته شده و از بین نمونه‌های باقی‌مانده، دو مجتمع مسکونی آسمان و ستارخان که در نیمه شرقی و غربی شهر تبریز واقع شده‌اند، به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و بر اساس در دسترس بودن مستندات و مدارک معماری انتخاب شد (جدول 4). جهت سنجش پایداری فرهنگی دو مجتمع، با مد نظر قراردادن اجزا و عناصر محیط‌های مسکونی در 3 مقیاس، براساس شاخص‌های به دست آمده در بخش نظری، 118 گویه (شاخص نهایی) به دست آمده است. از میان این گویه‌ها، 105 گویه با بهره‌گیری از طیف لیکرت، به روش مشاهده توسط نگارندگان و 13 گویه که قابلیت مشاهده توسط نگارندگان را نداشته، با تهیه پرسش‌نامه از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پرسش‌نامه‌ها، تمامی افراد ساکن در دو مجتمع مسکونی است. حجم نمونه با نرم‌افزار G\*power و فرمول محاسبه حجم نمونه برای مقایسه میانگین بین دو گروه و با استفاده از نتایج پیش‌آزمون که در آن  $m_1=11$ ,  $SD_1=2.75$ ,  $m_2=13.8$ ,  $SD_2=3.22$  به دست آمده، تعداد 65 واحد برای مجتمع آسمان و تعداد 30 واحد برای مجتمع ستارخان در نظر گرفته شده است. برای تأیید روایی پرسش‌نامه از دیدگاه

جدول 4- مشخصات و موقعیت مجتمع‌های مسکونی منتخب

Tab. 4- Characteristics and location of selected residential complexes

مجتمع	آسمان	ستارخان	مجتمع	آسمان	ستارخان
مدل سه بعدی			مشخصات	مساحت: 94000	مساحت: 12000
	زیربنای کل: 190000	زیربنای کل: 40000		تعداد بلوک: 16	تعداد بلوک: 4
همجواری و دسترسی‌ها			موقعیت	تعداد طبقات: 18	تعداد طبقات: 11
	متراژ واحدها: 112-224	متراژ واحدها: 71-95			
نقشه‌ها					

مقیاس ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی، چگونگی برقراری امنیت، جهت‌یابی و تنظیم دسترسی از مسائل مهم طراحی است. سوم، مقیاس واحدهای مسکونی؛ در این مقیاس روابط و نسبت فضاهای درونی مسکن با فرهنگ و سنت سکونت ساکنان موردنظر طراحی است (Einifar, 2000). مسکن علاوه بر واحد مسکونی شامل ساختمان و محیط مسکونی است<sup>1</sup> که در آن قرار گرفته و کیفیت مسکن به معنای دادوستدی میان این قلمروهاست (Qalambardzefouli et al., 2016) با مد نظر قراردادن شاخص‌های پایداری فرهنگی در معماری، مؤلفه‌های بعد توسعه فرهنگی شامل تبادل، تکامل، تغییر، بر ارزش‌های فرهنگی معماری در سه مقیاس محیط، ساختمان و واحد مسکونی تأثیر گذاشته و 118 گویه برای سنجش پایداری فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی به روش مشاهده و پرسش‌نامه طراحی شده است. هریک از گویه‌ها در بخش مشاهده توسط نگارندگان، طی اعداد 1 تا 5 از طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در جدول 5، براساس مشاهدات انجام شده، به تحلیل تصویری یا توصیفی دو مجتمع در سه مقیاس، براساس شاخص‌های پایداری فرهنگی پرداخته شده است.

افراد صاحب‌نظر در این زمینه بهره گرفته شده و پایایی پرسش‌نامه‌ها، با ضریب آلفای کرونباخ، محاسبه شده که به میزان بالاتر از حد استاندارد (0.7) بوده است. مقادیر متغیر داده‌های کمی به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها، با استفاده از آزمون Chi-Square و Fisher's Exact تجزیه و تحلیل شده است. در بخش نظری، تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، به روش استنباطی انجام شده و در بخش میدانی، جهت تعیین وضعیت پایداری فرهنگی دو مجتمع مسکونی و مقایسه ابعاد و مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی، تحلیل داده‌های حاصل از دو روش مشاهده و پرسش‌نامه، به روش مقایسه میانگین داده‌ها با اعمال ضریب، و تفسیر آن‌ها به روش پرسکات الن انجام شده است.

### 3- نتایج و بحث

در طراحی مجتمع‌های مسکونی، سه مقیاس عمده مطرح می‌شود. نخست، در مقیاس پیوند بیرونی مجتمع‌های مسکونی با محیط‌های مجاور؛ در این مقیاس مهم‌ترین مسائل، ایجاد پیوند کالبدی-اجتماعی مجتمع‌ها با محیط اطراف و ایجاد هویت و شناسه محلی است. دوم، در مقیاس روابط درونی مجتمع‌ها؛ در این

جدول 5- تحلیل مجتمع‌های مسکونی بر اساس شاخص‌های پایداری فرهنگی در مقیاس‌های مسکونی به روش مشاهده  
 Tab. 5- Analysis of residential complexes based on cultural sustainability indicators in residential scales by observation method

مقیاس محیط مسکونی		
ستارخان	آسمان	شاخص‌ها
		هر دو مجتمع در بافت شهری واقع شده اما محدوده محوطه آسمان فشرده نیست.
	—	در برخی از بخش‌های محوطه مجتمع ستارخان فضاهای پرتی ایجاد شده است.
		در مجتمع آسمان بلوک‌ها با جهت‌گیری یکسان به جنوب، از باد و نور مطلوب برخوردارند اما در ستارخان بلوک‌ها جهت‌گیری متفاوتی دارند.
		سبزی‌نگی و عناصر طبیعی در محوطه آسمان قابل توجه و در محوطه ستارخان کم است.
—		وجود عناصر نمادین بازآفرینی شده از طبیعت در محوطه و نمای ورودی بلوک‌های آسمان
—	—	کاربری‌های خدماتی (مذهبی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و ورزشی) در مجموعه یا هم‌جواری، طبق جدول 4 بررسی شده است.
		در هیچ یک از بخش‌های برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، نظارت و نگهداری از مشارکت ساکنان بهره‌گرفته نشده است.
		ارتفاع بلوک‌ها در تناسب مقیاس انسانی نیست <sup>3</sup> . اما در آسمان به علت وجود فضای مناسب بین بلوک‌ها (به اندازه ارتفاع بلوک)، مصوریت استانداردست <sup>4</sup> .
		تنها در مجتمع آسمان فضای باز نیمه‌خصوصی در شمال تمامی بلوک‌ها تعریف شده است.
		در آسمان به دلیل وسعت محوطه، بناهای اطراف اشرافیت ندارند اما فشرده‌گی محدوده ستارخان، اشرافیت ایجاد می‌کند
		بلوک‌های آسمان به سمت قبله و بلوک‌های ستارخان جهت متفاوتی دارند. تنها در همسایگی نزدیک مجتمع ستارخان، مسجد وجود دارد.
		تنوع کیفیات فضایی آسمان: فضاهای باز متناسب و فضاهای نیمه‌باز حداقلی ستارخان: فضاهای باز نسبتاً کم و فضاهای نیمه‌باز قابل قبول
		جانمایی بلوک‌ها در محوطه آسمان متعادل و در محوطه ستارخان متقارن است.
		جانمایی مجتمع در شهر و جانمایی بلوک‌ها نسبت به امکانات مجتمع متناسب است و کاربری مضر در هم‌جواری وجود ندارد.

و کمی‌بهرگی، بهره‌وری از فضای

تعمیرات با احتیاط، اشرافیت، همسایگی

مردم‌جواری

جاری‌سازی و درون‌روایی

انطباق پذیری

عدالت و مساوات/ نیازش

<p>هر دو مجتمع، چشم‌انداز را در همسایگی خود کاهش داده‌است.</p> 	<p>آسمان: سطح اشغال 12% و تراکم 240% است. میزان سطح اشغال نسبت به تراکم موجود نامتعادل است.<sup>5</sup> ستارخان: سطح اشغال 50% و تراکم 500% است. میزان تراکم زیاد است.</p>
<p>در مجتمع آسمان برخلاف مجتمع ستارخان، هر بلوک محدوده تعریف شده‌ای در محوطه دارد.</p> 	<p>نگهبانی، حصار امن اطراف محوطه و قرارگیری در جوار کاربری های متجانس، امنیت فیزیکی دو مجتمع را تأمین می‌کند.</p> 
<p>زمین فوتبال در جنوب شرقی آسمان و غرب ستارخان سبب آلودگی صوتی می‌شود. اما نوار سبز اطراف آسمان و فاصله‌گیری ستارخان از خیابان، از میزان آلودگی می‌کاهد.</p> 	<p>در مجتمع آسمان سلسله‌مراتب دسترسی به فضاهای داخلی به صورت فضای باز عمومی و نیمه‌عمومی، فضای باز نیمه‌خصوصی، فضاهای ارتباطی و مشاع و فضای واسط تعریف شده‌است. در مجتمع ستارخان فضای باز نیمه‌عمومی و فضای باز نیمه‌خصوصی در این سلسله‌مراتب نادیده گرفته شده‌اند.</p>
<p>فضاهاى جمعی کودکان امن و نظارت‌پذیر ارزیابی شده‌است.</p> 	<p>استفاده از سردر و اعمال عقب‌روی به تعریف ورودی در مجتمع آسمان کمک نموده اما در مجتمع ستارخان ورودی صرفاً با وجود نگهبانی تعریف شده‌است.</p> 
<p>در آسمان، پارکینگ مهمان مجزایی در جنوب هر بلوک در نظر گرفته شده اما در ستارخان فضای پارکینگ مختصری در اطراف محوطه وجود دارد.</p> 	<p>فضای سبزی عمومی در محوطه آسمان قابل توجه است اما در محوطه و همسایگی ستارخان بسیار کم است.</p> 
<p>در مجتمع آسمان، آب عنصری نمادین در طراحی محوطه است.</p> 	<p>بلوک‌ها به لحاظ مصالح نسبت به بافت برتری ندارند و تزیینات غربی وجود ندارد اما ارتفاع آن، نسبت به بافت متمایز است و خط آسمان آن را تحت تأثیر قرار داده.</p> 
<p>بلوک‌ها نسبت به بناهای اطراف، دارای شخصیت تعریف شده هستند اما نسبت به یکدیگر هویت ندارند (تشابه همه بلوک‌ها).</p> 	<p>مصالح شفاف در چشم‌انداز اصلی دو مجتمع و افزایش فضای باز در مجتمع آسمان باعث افزایش شفافیت شده‌است.</p> 
<p>در آسمان، آب عنصری نمادین در طراحی محوطه است.</p> 	<p>تزیینات نورگیر هندسی در نماها دیده نمی‌شود اما در مجتمع آسمان با جهت‌گیری بلوک‌ها به سمت جنوب، جبهه نوری تقویت شده‌است.</p>
<p>تزیینات زیبایی‌شناسانه معماری ایرانی در نماها دیده نمی‌شود اما از رنگ‌های زنده در آن استفاده شده‌است.</p> 	<p>در مجتمع آسمان طرح و نقش توده(بلوک‌ها) در طراحی فضاهای محوطه انعکاس یافته‌است. در مجتمع ستارخان نیز بلوک‌ها مکمل یکدیگرند.</p> 
<p>بلوک‌ها در آسمان تقریباً متمرکز، فاصله تقریباً مساوی و جهت‌گیری یکسان جنوبی دارند. بلوک‌ها در ستارخان متمرکز، فاصله مساوی اما جهت‌گیری متفاوت دارند.</p> 	<p>هندسه نامنظم و فرم‌های سیال در آسمان موجب تقویت حرکت می‌شود اما ساماندهی فضاهای ستارخان هندسه مشخصی ندارد و گشایش فضایی بخش میانی باعث تقویت حرکت می‌شود.</p> 
<p>ابعاد توده(بلوک‌ها) نسبت به یکدیگر متناسب است اما به‌طور کلی تناسب آن با مقیاس انسانی همخوانی ندارد.</p> 	<p>بلوک‌ها در آسمان تقریباً متمرکز، فاصله تقریباً مساوی و جهت‌گیری یکسان جنوبی دارند. بلوک‌ها در ستارخان متمرکز، فاصله مساوی اما جهت‌گیری متفاوت دارند.</p> 

امنیت و آسایش



تعامل و تعاون /  
طراحی و مصالحات

نواحي و فونتي

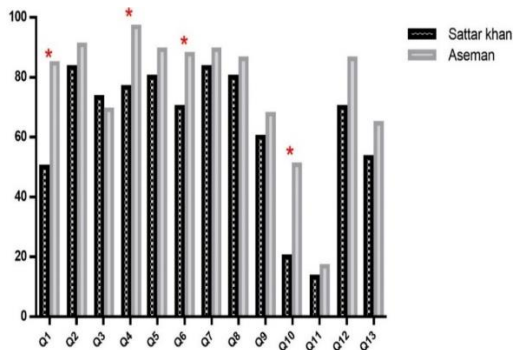
نمادگرایی و معنا

وحدت و تنگم

مقیاس ساختمان مسکونی			
ارتباط با محیط	شاخص‌ها	آسمان	ستارخان
	در لابی مجتمع آسمان عناصر نمادین بازآفرینی شده از طبیعت وجود دارد.		
اصناف و کیفیت از تجربه معماری و فضایی	در لابی آسمان از تزیینات کاربردی (سقف عایق) استفاده شده است.		
	از سازه‌ها و مصالح جدیدی که به کاهش وزن بنا و کنترل انرژی کمک کنند استفاده نشده اما مصالح داخل دیوار، در ترکیب با مصالح دیگر سبک شده‌اند.	هر دو مجتمع در کنترل روشنائی فضاهای مشاع و مجتمع آسمان د کنترل حرارت فضاهای مشاع هوشمند است.	
نشان	هر دو مجتمع از سیستم سازه‌ای بتنی استفاده کرده و در برابر زمین‌لرزه‌های منطقه مقاوم است.	سرعت ساخت مجتمع آسمان متناسب و سرعت ساخت مجتمع ستارخان کم ارزیابی شده است.	
ایستگاه	بخش‌های مختلف ساختمان در ارتباط با تأسیسات ساختمانی، دسترسی نسبتاً ضعیفی دارند.	بلوک‌های آسمان در کنترل سرما و گرما و بلوک‌های ستارخان تنها در کنترل گرما از سیستم‌های تطبیق‌پذیر در ساختمان خود بهره گرفته‌اند.	
آب و انرژی	تمهیدات لازم جهت مدیریت بحران عوامل طبیعی (سیستم اطفای حریق، مقاوم در برابر زلزله) در هر دو مجتمع وجود دارد.	وجود دوربین مداربسته در فضاهای مشاع دو مجتمع و همچنین در و پنجره ضد سرقت در مجتمع آسمان، به افزایش ایمنی ساختمان کمک کرده است.	
تعداد و کیفیت	علی‌رغم زیاد بودن تعداد طبقات، مشکلی در تأمین آب کافی در فصل‌های مختلف سال وجود ندارد.	تعریف فضای کفش کن برای تعدادی از واحدها	
ایستگاه و خدمات	سیالیت در فضاهای مشاع آسمان برای دسترسی به واحدها و ارتباطات عمودی مناسب و در مجتمع ستارخان کم است (دسترسی ناخوانا).	در مجتمع آسمان لابی و فضای انتظار به‌عنوان کاربری‌های مشترک خدماتی مهمان تعریف شده است.	
مقیاس واحد مسکونی			
خدمات / فضای زندگی / نظم و وحدت /	شاخص‌ها (آسمان)	شاخص‌ها (ستارخان)	شاخص‌ها (ستارخان)
	ایجاد فضای پرت و غیرقابل استفاده ایجاد شده است.	ایجاد فضاها در هر دو مجتمع متناسب است اما هندسه مشخصی ندارند و فضاهای پرت و غیرقابل استفاده ایجاد شده است.	
ایستگاه / درون‌گرا / حریم پذیرایی	در مجتمع آسمان مکان‌یابی فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی نسبت به یکدیگر و در ارتباط با ورودی در بسیاری از واحدها متناسب است.	در مجتمع آسمان و در تعدادی از واحدهای مجتمع ستارخان، فضاهای خصوصی و ورودی فیلتر شده است. فیلتر ورودی به رعایت حریم شنیداری کمک می‌کند اما از ابزارهای کاهنده صدا در بین واحدها استفاده نشده است.	
	تجمع و تفکیک فضاهای عمومی و نیمه‌خصوصی توسط دسترسی‌های خنثی در برخی واحدهای مجتمع آسمان امکان‌پذیر است.	در تعدادی از واحدهای آسمان، ارتباط آشپزخانه با فضاهای عمومی (پذیرایی) محدود شده است.	
		در مجتمع ستارخان فضای نشیمن و پذیرایی یکی است. لذا ارتباط آشپزخانه با فضاهای عمومی (پذیرایی) محدود نیست.	

<p>برخی واحدها با تورفتگی در بخش ورودی، دعوت‌کنندگی بیشتری دارند.</p> 	<p>در تعدادی از واحدهای آسمان، فضای نشیمن تعریف شده است. در این واحدها ارتباط آشپزخانه با فضاهای نیمه‌خصوصی (نشیمن) مناسب و در دیگر واحدها نسبتاً متناسب است.</p> <p>در مجتمع ستارخان فضای نشیمن و پذیرایی یکی است. لذا ارتباط آشپزخانه با فضاهای نیمه‌خصوصی (نشیمن) مناسب است.</p>	<p>تعامل و تعاون</p>
<p>فضای نشیمن و آشپزخانه در برخی واحدهای آسمان و اتاق خواب و پذیرایی در برخی واحدهای ستارخان از نور و تهویه برخوردار نیستند.</p> <p>در مجتمع آسمان برای ایجاد شفافیت در فضاهایی با نورگیری کم، از نور مصنوعی در سقف‌ها استفاده شده است.</p> 	<p>در مجتمع ستارخان، وسعت فضاها نسبت به یکدیگر متناسب نیست. مانند هم‌اندازه بودن فضای اتاق خواب و پذیرایی در برخی واحدها؛ به طوری که از اهمیت فضای پذیرایی به عنوان فضای تعاملی مهمان کاسته است.</p>	<p>عدالت و مساوات / ندادگرای و معنا</p>

گرفته و ضریب یک به داده‌های حاصل از آن‌ها اعمال شده است.



شکل 3- مقایسه گویه‌های پرسش‌نامه در دو مجتمع مسکونی با استفاده از آزمون کای-اسکوئر و آزمون دقیق فیشر

Fig. 3- Comparison of questionnaire items in two residential complexes with Chi-Square and Fisher's Exact tests

گویه‌های مرتبط با روش پرسش‌نامه‌ای توسط ساکنان مجتمع‌های مسکونی مورد ارزیابی قرار گرفته و توسط آزمون‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. تعدادی از این گویه‌ها در مقایسه بین دو مجتمع مسکونی دارای اختلاف معنی‌دار هستند، به گونه‌ای که تأثیر بیشتری در ایجاد اختلاف بین شاخص‌های پایداری فرهنگی و در نهایت میزان پایداری فرهنگی دو مجتمع مسکونی دارد؛ به همین دلیل ضریب دو برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. سایر گویه‌های پرسش‌نامه که در مقایسه بین دو مجتمع مسکونی، اختلاف معنی‌داری بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود، نیز دارای ضریب یک هستند.

گویه‌های مربوط به پرسش‌نامه که با علامت Q1 تا Q13 در جدول 6 مشخص گردیده، توسط تعداد مشخصی از ساکنان پاسخ داده شدند. جهت آنالیز داده‌های مرتبط با مشخصات پرسش‌شوندگان و مقایسه گویه‌ها بین دو مجتمع، از آزمون Chi-Square و در صورت لزوم، از آزمون Fisher's Exact استفاده شد. نتایج حاصل از آنالیز داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها، به صورت درصد گزارش شد. در آنالیز داده‌های مرتبط با مشخصات پرسش‌شوندگان از جمله جنسیت، سن و میزان تحصیلات، مقدار احتمال به ترتیب 0.093، 0.064 و 0.148 گزارش شد که اختلاف معنی‌داری نشان نمی‌دهد. نتایج حاصل از بررسی داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد، گویه‌های Q1، Q4، Q6 و Q10، که دارای اختلاف معنی‌دار کمتر از 0.05 است، تأثیر بیشتری در ایجاد اختلاف بین شاخص‌های پایداری فرهنگی و در نهایت میزان پایداری فرهنگی دو مجتمع مسکونی دارد که در شکل 3 با علامت \* مشخص شده است.

در این بخش، به تحلیل و تفسیر داده‌های به دست آمده از دو ابزار مشاهده و پرسش‌نامه، جهت ارائه تصویری مشخص از وضعیت پایداری فرهنگی دو مجتمع مسکونی پرداخته می‌شود. بدین منظور اطلاعات به دست آمده از دو ابزار مشاهده و پرسش‌نامه با روش مقایسه میانگین داده‌ها با اعمال ضریب مورد تحلیل قرار می‌گیرند. گویه‌های مرتبط با روش مشاهده توسط پژوهشگران، با استفاده از اعداد 1 تا 5 از طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار

جدول 6- نتایج حاصل از تحلیل گویه‌های مرتبط با پرسش‌نامه در دو مجتمع مسکونی توسط آزمون کای-اسکوئر و آزمون دقیق فیشر

Tab. 6- The results of the analysis of questionnaire items in two residential complexes by Chi-Square and Fisher's Exact tests

معناداری آماری	ستارخان	آسمان	گویه‌ها	
<0.0001*	50%	84.6%	رعایت میزان وسعت فضاها و متراژ واحد براساس تعداد افراد خانواده و تعداد فرزندان در هر واحد	Q1
0.315	83.3%	90.8%	استفاده از عناصر طبیعی (گل و گیاهان) در فضاهای داخلی	Q2
0.684	73.3%	69.2%	بازآفرینی استعاری از عناصر طبیعت در طراحی فضاهای داخلی	Q3
0.004*	76.7%	96.9%	حضورپذیری فضاهای باز عمومی	Q4
0.335	80%	89.2%	پاسخگویی مناسب هر یک از فضاهای داخلی نسبت به فعالیت‌های متناسب و ضروری	Q5
0.037*	70%	87.7%	شخصی‌سازی و خلوت‌پذیری محوطه	Q6
0.509	83.3%	89.2%	شخصی‌سازی و معناسازی اتاق‌ها (استراحت، کار، مطالعه، تفکر، نیايش)	Q7
0.547	80%	86.2%	تنوع‌پذیری فعالیت و امکان تغییر و پاسخگویی به فعالیت‌های متنوع و هم‌سنخ در برخی فضاهای داخلی	Q8
0.464	60%	67.7%	اجتماع‌پذیری فضاهای باز عمومی	Q9
0.005*	20%	50.8%	اجتماع‌پذیری فضاهای مشاع ساختمان	Q10
0.769	13.3%	16.9%	نقش فضای واسط و پیش ورودی به‌عنوان فضای تعامل موقت	Q11
0.062	70%	86.2%	عدم بهره‌گیری از تزئینات غریبی و افراطی در فضاهای داخلی	Q12
0.295	53.3%	64.6%	استفاده از الگوهای رنگی (تنوع یا تضاد رنگی) در طراحی فضاهای داخلی	Q13

قرار گرفته‌اند. مؤلفه‌های تکامل مردم‌واری، تغییر خودبستگی و تکامل تواضع و فروتنی، با امتیاز پایین‌تر از 40 درصد، کمتر از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

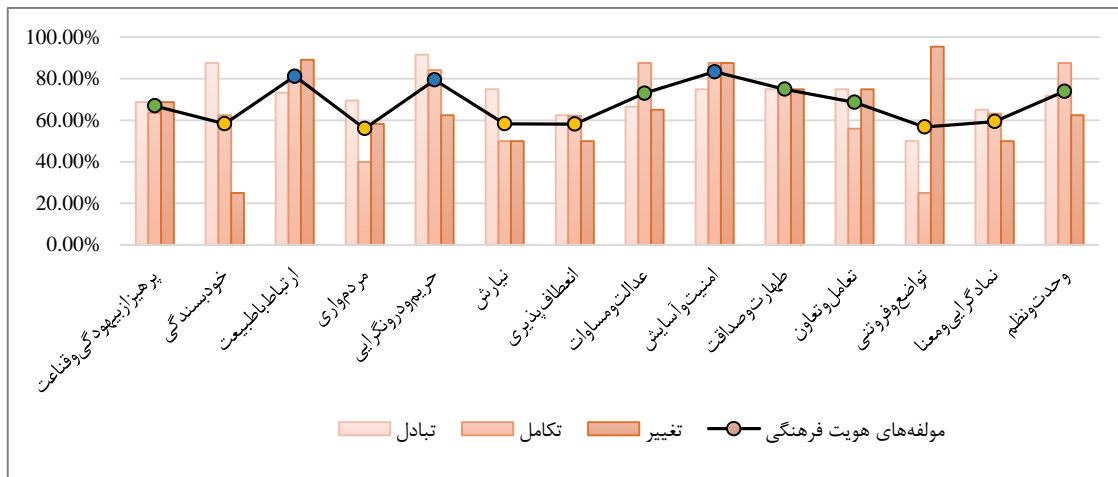
در بعد هویت فرهنگی، به ترتیب مؤلفه‌های امنیت‌وآسایش، ارتباط با طبیعت و حریم و درون‌گرایی در مجتمع آسمان پایدار است. مؤلفه‌های طهارت و صداقت، وحدت و نظم، عدالت و مساوات، تعامل و تعاون و پرهیز از بیهودگی و قناعت دارای پایداری بالقوه (خوب) هستند. سایر مؤلفه‌های هویت فرهنگی از پایداری متوسطی برخوردار است (شکل 4).

در بعد توسعه فرهنگی، مجتمع مسکونی آسمان، تبادل ارزش‌های فرهنگی را بیشتر از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار داده و پس از آن، به تکامل و تغییر ارزش‌های فرهنگی با اختلاف بسیار کمی پرداخته است (شکل 5).

پس از اعمال ضریب به داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و مشاهده، تحلیل آن‌ها، به روش مقایسه میانگین داده‌ها طبق اشکال 4 تا 10 انجام می‌گیرد که به مقایسه مؤلفه‌های پایداری فرهنگی، مقایسه مؤلفه‌های هویت فرهنگی و مقایسه مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در دو مجتمع و همچنین مقایسه وضعیت پایداری فرهنگی دو مجتمع مسکونی براساس این مؤلفه‌ها می‌پردازد. تفسیر آن‌ها نیز به‌صورت کیفی و با روش طبقه‌بندی پرسکات‌الن انجام شده است<sup>6</sup>.

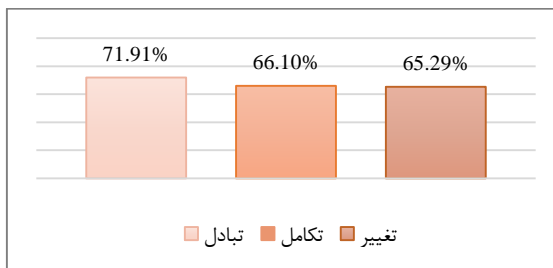
طبق شکل 4 مؤلفه‌های تغییر تواضع و فروتنی، تغییر و تکامل ارتباط با طبیعت، تبادل خودبستگی، تکامل عدالت و مساوات، تکامل و تغییر امنیت و آسایش، تکامل وحدت و نظم، تبادل و تکامل حریم‌ودرون‌گرایی، با امتیاز بالاتر از 80 درصد از جمله مؤلفه‌های پایداری فرهنگی هستند که در مجتمع مسکونی آسمان بیشتر مورد توجه





شکل 4- مقایسه مؤلفه‌های پایداری فرهنگی و مقایسه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در مجتمع آسمان تبریز  
 Fig. 4- Comparison of the components of cultural sustainability and comparison of the components of cultural identity in the Asman complex of Tabriz

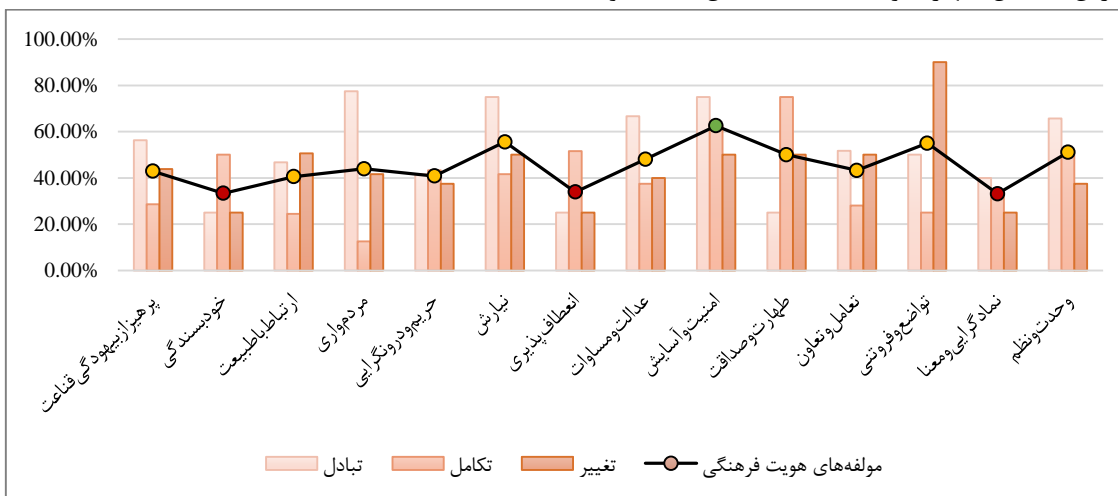
مساوات، تبادل و تکامل امنیت و آسایش، تبادل وحدت و نظم و تبادل مردم‌واری با امتیاز بالاتر از 60 درصد از جمله مؤلفه‌های پایداری فرهنگی هستند که در مجتمع مسکونی ستارخان بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. مؤلفه تکامل مردم‌واری، با امتیاز پایین‌تر از 20 درصد، کمتر از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در بعد هویت فرهنگی، مؤلفه امنیت و آسایش در مجتمع ستارخان پدیدار است. مؤلفه‌های خودبستگی، انعطاف‌پذیری و نمادگرایی و معنا از ناپایداری بالقوه (ضعیف) برخوردارند. سایر مؤلفه‌های هویت فرهنگی پایداری متوسطی دارند (شکل 6).



شکل 5- مقایسه مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در مجتمع آسمان تبریز

Fig. 5- Comparison of the components of cultural development in the Asman complex of Tabriz

طبق شکل 6 مؤلفه تغییر تواضع و فروتنی، تبادل و نیایش، تکامل طهارت و صداقت، تبادل عدالت و

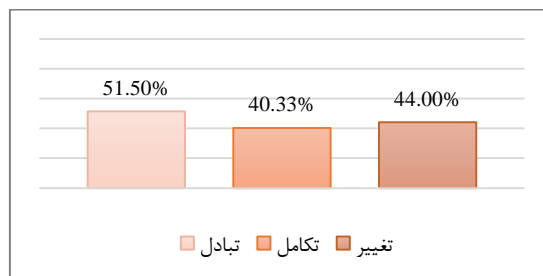


شکل 6- مقایسه مؤلفه‌های پایداری فرهنگی و مؤلفه‌های هویت فرهنگی در مجتمع ستارخان تبریز  
 Fig. 6- Comparison of the components of cultural sustainability and comparison of the components of cultural identity in the Sattarkhan complex of Tabriz

تعامل و تعاون و در نهایت مؤلفه‌های مردم‌واری، انعطاف‌پذیری، خودبسندگی و نمادگرایی و معنا با اختلاف کم و نسبتاً یکسان، در مجتمع آسمان بیشتر از مجتمع ستارخان توسعه یافته و از پایداری متوسطی در مجموع دو مجتمع برخوردار است. مؤلفه‌های ارتباط با طبیعت و حریم و درون‌گرایی، بین دو مجتمع مسکونی اختلاف چشم‌گیری دارند؛ به طوری که در مجتمع آسمان پایدار و در مجتمع ستارخان پایداری متوسطی دارند اما در مجموع دو مجتمع، پایداری خوبی دارند. مؤلفه‌های نیارش و تواضع و فروتنی تقریباً به یک میزان در دو مجتمع مورد توسعه قرار گرفته و پایداری متوسطی دارند؛ هرچند در مجتمع ستارخان پس از مؤلفه امنیت و آسایش، به عنوان مؤلفه‌های با امتیاز بالا شناخته می‌شوند.

مقایسه مؤلفه‌های توسعه فرهنگی بین دو مجتمع مسکونی آسمان و ستارخان تبریز، طبق شکل 9 نشان می‌دهد که مجتمع آسمان در تمامی مؤلفه‌ها، با اختلافی نسبتاً یکسان، نسبت به مجتمع ستارخان بیشتر به توسعه ارزش‌های فرهنگی پرداخته است. می‌توان گفت در مجموع دو مجتمع مسکونی، تبادل ارزش‌های فرهنگی، بیشتر از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه بوده است و پس از آن تغییر ارزش‌های فرهنگی و در نهایت تکامل ارزش‌های فرهنگی با اختلاف‌های ناچیزی قرار دارد.

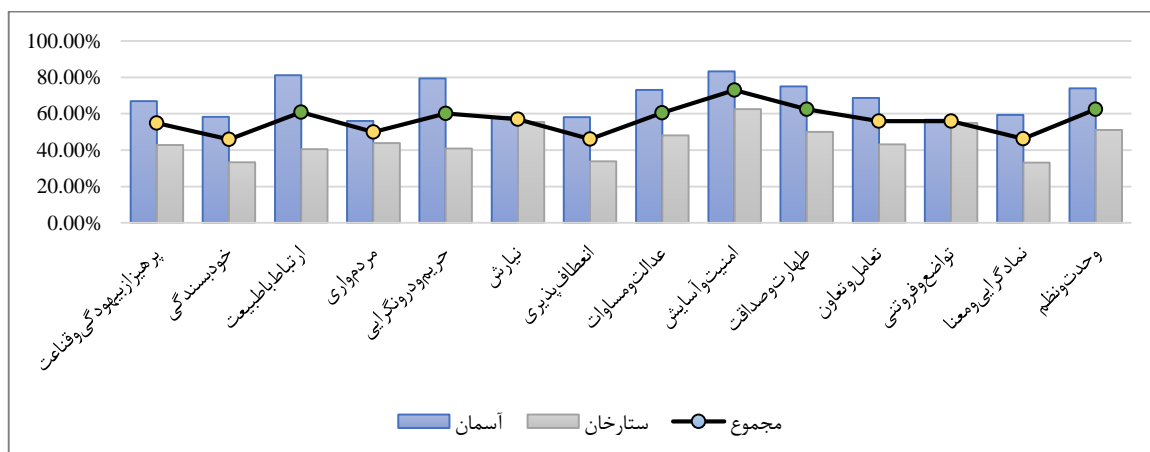
در بعد توسعه فرهنگی، مجتمع مسکونی ستارخان، تبادل ارزش‌های فرهنگی را بیشتر از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار داده و پس از آن، به تغییر ارزش‌های فرهنگی و در نهایت تکامل ارزش‌های فرهنگی با اختلاف نسبتاً کمی پرداخته است (شکل 7).



شکل 7- مقایسه مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در مجتمع ستارخان تبریز

Fig. 7- Comparison of the components of cultural development in the Sattarkhan complex of Tabriz

مقایسه مؤلفه‌های هویت فرهنگی بین دو مجتمع مسکونی آسمان و ستارخان تبریز در شکل 8 نشان می‌دهد که مؤلفه امنیت و آسایش و پس از آن مؤلفه‌های عدالت و مساوات، طهارت و صداقت و وحدت و نظم با اختلافی کم و نسبتاً یکسان، در مجتمع آسمان بیشتر از مجتمع ستارخان توسعه یافته‌اند و در مجموع به عنوان مؤلفه‌هایی با پایداری خوب شناخته می‌شوند. پس از آن مؤلفه‌های پرهیز از بیهودگی و قناعت و



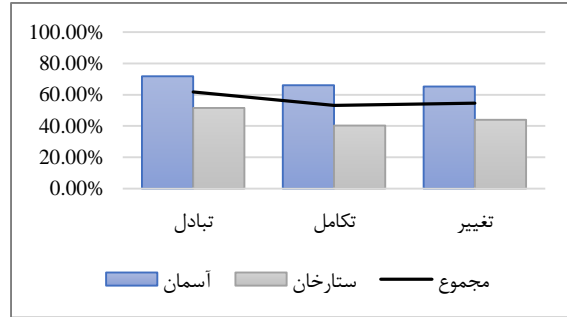
شکل 8- مقایسه دو مجتمع مسکونی براساس مؤلفه‌های هویت فرهنگی و مقایسه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در مجموع دو مجتمع

Fig. 8- Comparison of two residential complexes based on the components of cultural identity and comparison of the components of cultural identity in total of two complexes

بر بعد هویت فرهنگی، به تعریف بعد دیگری از پایداری فرهنگی پرداخته شده و پایداری ارزش‌های فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی در ارتباط با بعد دیگر پایداری فرهنگی یعنی توسعه فرهنگی سنجدیده شده‌است. با تأثیرگذاری مؤلفه‌های سازنده توسعه فرهنگی شامل تبادل، تکامل و تغییر بر ارزش‌های فرهنگی، پایداری فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی تعیین شده است. علی‌رغم تفاوت در رویکردها و راهبردهای دو پژوهش، در پژوهش انجام شده توسط سخی‌نیا و همکاران (2019)، مجتمع آسمان که به‌عنوان وجه اشتراک مطالعات موردی دو پژوهش است، با ارزشی برابر 0.66 در مجموع شاخص‌ها، از پایداری بالقوه (خوب) برخوردار است. در این پژوهش نیز مجتمع آسمان با امتیازی در حدود 68 درصد در مجموع شاخص‌ها، از پایداری بالقوه (خوب) برخوردار است. مؤلفه ارتباط با طبیعت و حریم و درون‌گرایی در هر دو پژوهش از امتیاز بالایی برخوردار بوده و از جمله مؤلفه‌های پایدار یا پایدار بالقوه (خوب) شناخته شده‌اند.

#### 4- نتیجه‌گیری

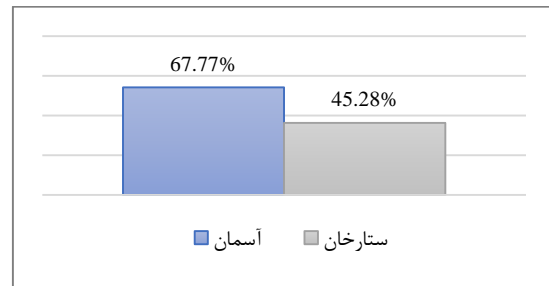
پایداری فرهنگی در معماری، با تبیین دو عنصر اساسی هویت فرهنگی و توسعه فرهنگی در معماری تعریف می‌شود. تبادل، تکامل و تغییر ارزش‌های معماری، با مدنظر قراردادن تفکرات محلی و در نظر گرفتن الزامات معماری معاصر، با تأثیر گذاری بر چهارده ارزش ایرانی-اسلامی در معماری، شاخص‌های پایداری فرهنگی در معماری را مشخص می‌کنند. در بخش میدانی، با مد نظر قراردادن این شاخص‌ها، مؤلفه‌های بعد توسعه فرهنگی، بر ارزش‌های فرهنگی معماری در سه مقیاس محیط، ساختمان و واحد مسکونی تأثیر گذاشته و 118 گویه برای سنجش پایداری فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی به روش مشاهده و پرسش‌نامه طراحی شد. جهت تحلیل و تفسیر داده‌های به دست‌آمده از پرسش‌نامه و مشاهده به ترتیب از روش مقایسه میانگین داده‌ها با اعمال ضریب و روش طبقه‌بندی پرسکات ال استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهند در مجموع شاخص‌های پایداری فرهنگی،



شکل 9- مقایسه دو مجتمع مسکونی براساس مؤلفه‌های توسعه فرهنگی و مقایسه مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در مجموع دو مجتمع

Fig. 9- Comparison of two residential complexes based on the components of cultural development and comparison of the components of cultural development in total of two complexes

شکل 10 نیز حاکی از آن است که در مجموع مؤلفه‌های پایداری فرهنگی، مجتمع مسکونی آسمان، با امتیاز 67.77 درصد، نسبت به مجتمع مسکونی ستارخان با امتیاز 45.28 درصد، از پایداری فرهنگی بیشتری برخوردار است.



شکل 10- مقایسه دو مجتمع مسکونی براساس شاخص‌های پایداری فرهنگی

Fig. 10- Comparison of two residential complexes based on cultural sustainability indicators

در این بخش، یافته‌های پژوهش در قیاس با نتایج سایر پژوهش‌ها توضیح داده می‌شود. در پژوهش انجام شده توسط سخی‌نیا و همکاران (2019)، پایداری ارزش‌های فرهنگی در مجموعه‌های مسکونی نسبت به شاخص تراکم سنجدیده شده است و نقش عامل ارتفاع، سطح پوشش و فضای سبز به عنوان شاخص‌های کمی تراکم، در تعیین پایداری فرهنگی مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار بوده است. در پژوهش حاضر، برای تعیین وضعیت پایداری فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی، افزون

مجتمع آسمان نسبت به مجتمع ستارخان، از پایداری فرهنگی بهتری برخوردار است.

مقایسه مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در دو مجتمع مسکونی نشان می‌دهد، مجتمع آسمان در تمامی مؤلفه‌های پایداری فرهنگی به‌غیر از مؤلفه تبادل مردم‌واری، نسبت به مجتمع ستارخان، از امتیاز برابر یا بالاتری برخوردار است. از این‌رو مؤلفه‌های دارای امتیاز بالا در مجتمع ستارخان طبق شکل 6، از جمله مؤلفه‌های پایداری فرهنگی هستند که به‌طور کلی و در مجموع از امتیاز قابل‌قبولی برخوردار بوده‌اند. همچنین مؤلفه‌های دارای امتیاز پایین در مجتمع آسمان طبق شکل 4 از جمله مؤلفه‌های پایداری فرهنگی هستند که به‌طور کلی و در مجموع از امتیاز قابل‌قبولی برخوردار نبوده‌اند.

با مقایسه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در دو مجتمع و جمع‌بندی آن‌ها، می‌توان مؤلفه‌های بعد هویت فرهنگی را براساس شکل 8 در چهار بخش دسته‌بندی، تفسیر و در صورت نیاز راهکارهایی ارائه نمود:

1) مؤلفه‌های پرهیز از بیهودگی و قناعت، تعامل و تعاون، انعطاف‌پذیری، مردم‌واری، خودبستگی و نمادگرایی و معنا کمتر از سایر مؤلفه‌ها در دو مجتمع مسکونی توسعه یافته‌اند؛ به گونه‌ای که با پایداری متوسط در مجتمع آسمان و ناپایداری بالقوه (ضعیف) در مجتمع ستارخان، در مجموع از پایداری متوسطی برخوردارند. در بخش اول جدول زیر راهکارهایی جهت بهبود پایداری این مؤلفه‌ها براساس شاخص‌های تضعیف‌کننده آنها ارائه شده است.

2) مؤلفه‌های نیارش و تواضع و فروتنی تقریباً به یک میزان در دو مجتمع مسکونی مورد توسعه قرار گرفته‌اند و از پایداری متوسطی برخوردارند؛ هرچند در مجتمع ستارخان پس از مؤلفه امنیت و آسایش، به‌عنوان مؤلفه‌های با امتیاز بالا شناخته می‌شوند. در بخش دوم جدول زیر راهکارهایی جهت بهبود پایداری این مؤلفه‌ها براساس شاخص‌های تضعیف‌کننده آن‌ها ارائه شده است.

3) مؤلفه‌های ارتباط با طبیعت و حریم و درون‌گرایی، بین دو مجتمع مسکونی اختلاف چشم‌گیری دارند؛ به طوری که در مجتمع آسمان پایدار و در مجتمع ستارخان پایداری متوسطی دارند اما در مجموع پایداری خوبی دارند. لذا براساس شاخص‌های تقویت‌کننده این دو مؤلفه

در مجتمع آسمان، در بخش سوم جدول زیر راهکارهایی برای تقویت این مؤلفه‌ها در مجتمع ستارخان و بسیاری از مجتمع‌های مسکونی مشابه ارائه شده است.

4) مؤلفه امنیت و آسایش در هر دو مجتمع از بالاترین امتیاز برخوردار است؛ به طوری که با پایداری در مجتمع آسمان و پایداری بالقوه (خوب) در مجتمع ستارخان، در مجموع از پایداری خوبی برخوردار است. این امر نشان از اهمیت بالای رویکرد امنیت در طراحی مجتمع‌های مسکونی دارد؛ به طوری که چه در دیدگاه ساکنان و چه در دیدگاه سازندگان، امنیت در مجتمع‌های مسکونی از اولویت بالایی برخوردار است. براساس مصاحبه با ساکنان دو مجتمع، مجتمع‌های مسکونی در وهله اول به جهت امنیت بالایشان به‌ویژه از جانب افراد مسن و تک‌خانوار انتخاب می‌شوند. پس از آن مؤلفه‌های عدالت و مساوات، طهارت و صداقت و وحدت و نظم در هر دو مجتمع بیشتر از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به طوری که با پایداری بالقوه (خوب) در مجتمع آسمان و پایداری متوسط در مجتمع ستارخان، در مجموع از پایداری خوبی برخوردارند. توجه به مؤلفه طهارت و صداقت نشان می‌دهد فارغ از جنبه نمادین عنصر آب، نقش عملکردی آن برای خانواده‌های ایرانی حائز اهمیت است و علی‌رغم تغییر و تحول در بسیاری از فرهنگ‌های سکونت‌ی ایرانی، توجه به مؤلفه طهارت و صداقت همچنان در اولویت سازندگان قرار دارد. توجه به مؤلفه وحدت و نظم در مسکن و اهمیت یافتن آن در دیدگاه طراحان نشان می‌دهد تمایل به نظم و وحدت به طور ذاتی در وجود انسان نهادینه است؛ چنان‌که طبق آیه چهار سوره تین، انسان در نیکوترین نظم، اعتدال و ارزش آفریده شده است. این عامل بر شاخص‌های مرتبط با مؤلفه عدالت و مساوات نیز تأثیرگذار است. هرچند توجه به قوانین مصوب شهری در کنترل این مؤلفه تأثیرگذار بوده است.

در بعد توسعه فرهنگی نیز، مقایسه سه مؤلفه توسعه بین مجتمع مسکونی آسمان و ستارخان تبریز، نشان می‌دهد مجتمع آسمان در تمامی مؤلفه‌ها، با اختلافی نسبتاً یکسان، نسبت به مجتمع ستارخان بیشتر به توسعه ارزش‌های فرهنگی پرداخته است. همچنین می‌توان گفت



جدول 7، مربوط به تکامل و تغییر ارزش‌های فرهنگی هستند.

در مجموع دو مجتمع مسکونی، به تبادل ارزش‌های فرهنگی، بیشتر از تکامل یا تغییر آن‌ها پرداخته شده است؛ چنان‌که بسیاری از راهکارهای ارائه شده در

جدول 7- ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود پایداری مؤلفه‌های هویت فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی  
Tab. 7- Providing suggested solutions to improve the sustainability of cultural identity components in residential complexes

بخش اول: پایداری متوسط با اختلاف کم در دو مجتمع		
مردم‌واری	تعامل و تعاون	
-	ورودی مجتمع‌ها صرفاً با وجود نگهداری تعریف می‌شود. وجود سردر، به تعریف ورودی و دعوت‌کنندگی مجتمع مسکونی کمک می‌کند.	تبادل ✓
تفاوت ارتفاع بلوک‌ها به عرض گذر (فضای باز مقابل بلوک‌ها)، نسبت 1 به 1 تا 4 پیشنهاد می‌شود و با توجه به این‌که ارتفاع بنا تا 15 متر محدود شده، عرض گذر نیز براساس آن محدود می‌شود.	بازنگری در طراحی فضاهای واسط (پیش ورودی) به‌عنوان فضای تعاملی موقت ضروری به نظر می‌رسد. فضاهای واسط در مجتمع‌های مسکونی صرفاً دید را به داخل کاهش داده و فاقد نقش تعاملی‌اند.	تکامل ✓
بهره‌گیری از طرح‌های مشارکتی مردم در زمینه برنامه‌ریزی، طراحی، نظارت، اجرا و نگهداری برای مجتمع‌های مسکونی پیش‌فروش یا در حال ساخت و همچنین بهره‌گیری از مشارکت مردم در مراقبت و نگهداری مجتمع‌های مسکونی حاضر پیشنهاد می‌شود.	با محدود شدن وسعت خانه‌های امروزی، فضای پذیرایی و نشیمن ادغام و در نتیجه نقش فضای نشیمن کم‌رنگ شده است. ضروریست فضای نشیمن به‌عنوان یک فضای گم‌شده در خانه‌های امروزی، به جهت اهمیت خانواده و لزوم ارتباطات در آن، بازتعریف شود.	تغییر ✓
در مجتمع‌های مسکونی با محوریت زیاد (بلوک‌های بلندمرتبه)، مقیاس فرا انسانی بنا با استفاده از خطوط افقی، کادربندی کاذب و ... به لحاظ بصری کاهش یابد.	وجود فضای لابی به‌عنوان کاربری خدماتی مهمان و همچنین جهت تقویت اجتماع‌پذیری ساکنان در فضاهای مشاع ضروری است.	تغییر ✓
مسیر حرکت در مجتمع پیاده محور باشد و مسیر حرکت سواره از پیاده جدا شود. ضوابط معلولان در مسیرهای عبور پیاده لحاظ شود.	با محدود بودن وسعت خانه‌های امروزی، اختصاص اتاق برای مهمان منطقی به‌نظر نمی‌آید. لذا وجود کاربری جدیدی مانند خانه مهمان به صورت مشترک برای هر بلوک پیشنهاد می‌شود.	تغییر ✓
نمادگرایی و معنا	پرهیز از بیهودگی و قناعت	
اهمیت به فضای باز و رعایت سرانه آن در کاربری‌های مسکونی، باعث افزایش نورگیری شده و نقش فضای تهی را پررنگ‌تر می‌کند.	-	تبادل ✓
تجزیه رنگ و شکل نور با بهره از تزئینات نورگیر کاربردی و هندسی، علاوه بر کنترل نور، باعث حس معنویت و نمادگرایی فضا می‌شود.	از سازه‌های مقاوم، سبک و مجوف با دهانه‌های حداکثری جهت کاهش مصرف مصالح استفاده شود.	تکامل ✓
از تزئینات زیبایی‌شناسانه معماری ایرانی همانند آجرکاری، گچ‌بری، نقوش هندسی و طبیعی به شیوه‌ای امروزی، ساده شده و متناسب با سبک معماری بنا استفاده شود.	از مصالح سبک و نوین با قابلیت کنترل و ذخیره انرژی (مانند بتن اسفنجی، کاشی حرارتی، شیشه هوشمند، پنل‌های آلومینیومی و ...) در دیوارهای خارجی یا نما استفاده شود. هوشمندسازی ساختمان در کنترل روشنایی، حرارت و برودت می‌تواند به کاهش اتلاف انرژی کمک کند.	تکامل ✓



تغییر	<p>✓ مناسب بودن وسعت واحدها و کافی بودن تعداد اتاق‌ها                      برحسب افراد خانواده، مستلزم تدابیری است که توانایی مالی و اقتصادی افراد را در تأمین مسکن متناسب با نیازهای خانواده افزایش دهد.</p>	<p>✓ در بخش‌هایی از خانه که فاقد نور طبیعی بوده و یا از نورگیری ضعیفی برخوردار است، بهره‌گیری از مصالح سبک و نیمه‌شفاف و ظهور نور در آن‌ها، باعث سبک‌سازی فضا و افزایش شفافیت می‌شود.</p>
<b>خودبسنده‌گی</b>		<b>انعطاف‌پذیری</b>
تبادل	<p>✓ با توجه به تعدد واحدها در مجتمع‌های مسکونی، نحوه چینش واحدها باید به‌گونه‌ای باشد که فضاهای تشکیل‌دهنده آن‌ها، بر اساس اولویت نیاز به بهترین نور طبیعی سازماندهی شوند.</p>	<p>✓ به علت محدودیت وسعت خانه‌های امروزی، دسترسی‌های خنثی یا ابزارهای جداکننده متحرک به تجمیع و تفکیک فضاهای مرتبط (نیمه‌خ‌ص‌صی و عمومی) در شرایط مختلف رفتاری کمک می‌کند.</p>
تکامل	<p>✓ به‌کارگیری مصالح بومی (سنگ و آجر) به شیوه جدید بافت مصالح و ترکیب با مصالح غیربومی و به‌روز انجام شود تا افزون بر کاهش هزینه و افزایش ظرفیت حرارتی بنا، همگونی با محیط افزایش یابد.</p>	<p>✓ در کنار بهره‌گیری از سامانه‌های ایستا، سامانه‌های پویا می‌توانند به تطبیق‌پذیری و سازگاری ساختمان با شرایط مختلف اقلیمی منطقه (نور، دما و باد) کمک کنند.</p>
تغییر	<p>✓ حدالامکان، از سیستم‌های تصفیه‌کننده آب و سامانه‌های مولد انرژی مانند میکروتوربین و پنل‌های خورشیدی استفاده شود.</p>	<p>✓ در صورت بروز مشکل برای هر کدام از بخش‌های تأسیساتی ساختمان، قابلیت تعمیرپذیری و دسترسی به آن بخش وجود داشته باشد.</p>
<b>بخش دوم: پایداری متوسط با امتیاز برابر در دو مجتمع</b>		
<b>نیارش</b>		<b>تواضع و فروتنی</b>
تبادل	-	-
تکامل	<p>✓ سازه باید بخشی از کالبد بنا و یکپارچه با آن باشد. به عبارتی سازه به تبعیت از طرح معماری طراحی شود و کمترین محدودیت را برای طرح معماری ایجاد کند (همه‌انگهی معمار و طراح سازه).</p> <p>✓ مدیریت صحیح پروژه و به‌کارگیری روش‌های نوین ساختمان‌سازی (تکنولوژی ساخت) سرعت ساخت بنا را افزایش می‌دهد.</p>	<p>✓ در صورتی که بنا نمی‌تواند به طور کامل از خط آسمان بافت پیروی کند، باید با استفاده از خط آسمان پلکانی، به تدریج به هماهنگی با بافت دست یابد.</p>
تغییر	-	-
<b>بخش سوم: پایداری متوسط با اختلاف زیاد در دو مجتمع</b>		
<b>ارتباط با طبیعت</b>		<b>حریم و درون‌گرایی</b>
تبادل	<p>✓ اختصاص بخش قابل توجهی از فضاهای باز به فضای سبز و استفاده از عناصر طبیعت همچون آب، گیاهان و درختان در آن، به افزایش ارتباط با طبیعت و حضورپذیری فضاهای باز عمومی کمک می‌کند.</p> <p>✓ برخورداری از دید و چشم‌انداز مستقل و روی آوردن به معماری افقی، باعث تقویت ارتباط با طبیعت می‌شود. یکی از علت‌های محدود کردن ارتفاع بلوک‌ها، ناشی از همین عامل است.</p>	<p>✓ علی‌رغم وجود ضوابط و الزامات مربوط به رعایت فاصله بناهای مسکونی مجاور، عدم اشرافیت بناها، صرفاً با محدود شدن ارتفاع پنجره‌ها امکان‌پذیر است. لذا در مجتمع‌های مسکونی، عدم اشرافیت بلوک‌ها و ساختمان‌های اطراف بر بنا و محدود نشدن ارتفاع پنجره، مستلزم افزایش وسعت محوطه و بازنگری در ضوابط مربوط به میزان فاصله بناهای مجاور است.</p>
تکامل	<p>✓ بازآفرینی تزیینات هنرمندانه و استعاری از طبیعت (نقوش طبیعت) در مقیاس محیط (محوطه و نماها) و ساختمان مسکونی (فضاهای مشاع) که در مجتمع آسمان مورد توجه قرار گرفته است.</p>	<p>✓ بهتر است بخشی از فضاهای باز عمومی محوطه، به وجود فضای باز خصوصی یا نیمه‌خصوصی (حیاط خصوصی یا نیمه‌خصوصی) اختصاص یابد تا بخش‌هایی از محوطه خلوت‌پذیر، آرام و شخصی‌شده باشند.</p> <p>✓ استفاده از اجزا و عناصر عایق صدا، ابزارهای کاهنده صدا در دیوارها و فضاهای واسط به حریم شنیداری فضاهای داخلی یک</p>



واحد نسبت به یکدیگر و حریم شنیداری واحدهای مجاور نسبت به هم کمک می‌کند.	
مکان‌یابی فضای آشپزخانه باید به گونه‌ای باشد که در عین ارتباط مناسب با فضاهای نیمه خصوصی (نشیمن)، ارتباط آن با فضاهای عمومی (پذیرایی) محدودتر شود.	✓
	✓
	تغییر
	گسترده‌گی فضای باز و اهمیت به فضای سبز در آن، از جمله نقاط اختلاف دو مجتمع مسکونی ارزیابی شده است که می‌تواند در حضورپذیری فضاهای عمومی مجتمع نیز مؤثر باشد.

### پی‌نوشت

<sup>1</sup> محیط مسکونی (محل): مفهوم مسکن ع-علاوه بر مکان فیزیکی-ی، کل محیط مسکونی را نیز در برمی‌گیرد (Pourmohammadi, 2008).  
<sup>2</sup> در مصوبات شهرداری تبریز در مناطق مسکونی میزان فضای باز مسکونی به‌ازای هر واحد مسکونی 15 مترمربع لحاظ گردیده‌است. حفظ 30% فضای سبز در حیاط ساختمان الزامی است.  
<sup>3</sup> براساس معیارهای شهر اسلامی در روایات متعدد و ادله‌های شرعی، ارتفاع خانه محدود شده‌است که این ارتفاع در بناهای مسکونی امروزی در حدود 15 متر یا 5 طبقه مسکونی، تعریف می‌شود (برگرفته از سلسله دروس خارج فقه «نظام عمران و شهرسازی اسلامی»، جلسه هشتم، آیت‌الله اراکی).  
<sup>4</sup> نسبت ارتفاع بنا به عرض حیاط در بناهای سنتی بین 0.2 تا 1 است و امروزه در منابع مختلف، این نسبت از 1 به 0.5 تا 4 متغیر است. با تجمیع این اعداد بازه محصوریت مناسب، نسبت 1 به 1 تا 4 در نظر گرفته شده‌است.  
<sup>5</sup> تراکم پایه و سطح اشغال مجاز برای کاربری مسکونی در مصوبات شهرداری تبریز، به ترتیب 120 و 60 درصد در نظر گرفته شده‌است.  
<sup>6</sup> این مدل که توسط پرسکات آلن (1997) ارائه شده‌است، پایداری را به پنج سطح تقسیم می‌نماید. برای تبدیل محاسبات کمی به مقادیر کیفی از طبقات پنج‌گانه مطابق جدول 8 استفاده شده‌است.

جدول 8- طبقه‌بندی سطوح پایداری پرسکات آلن (1997)  
 Tab. 8- Classification of sustainability levels by Prescott Allen (1997)

سطوح	حالت‌های پایداری	ارزش پایداری
اول	ناپایدار	0-20
دوم	ناپایداری بالقوه (ضعیف)	20-40
سوم	متوسط	40-60
چهارم	پایداری بالقوه (خوب)	60-80
پنجم	پایدار	80-100

به طور مختصر می‌توان گفت پایداری فرهنگی در مفهوم کاربردی، ارتباط دو سویه ابعاد تشکیل‌دهنده آن یعنی هویت فرهنگی و توسعه فرهنگی است. اگر تأثیر هر یک از ابعاد بر دیگری نادیده انگاشته شود، به طوری که صرفاً توسعه مد نظر باشد، هویت بومی و حس تعلق کم‌رنگتر می‌شود و در صورتی که هویت به تنهایی به کار گرفته شود، قادر نخواهد بود خود را به زبان امروزی و متناسب با نیازهای زمان ارائه دهد. هر دو نتایج مشابهی دارند و فضای معماری را به لحاظ کیفی تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ارزیابی‌های صورت گرفته در این پژوهش نیز سنجش کیفیت مجتمع‌های مسکونی در هر یک از ابعاد پایداری فرهنگی، همواره با مد نظر قراردادن بعد دیگری صورت پذیرفته است. این ارزیابی‌ها حاکی از آن است که بسیاری از ارزش‌های فرهنگی سکونتی، آن‌چنان که باید، توسعه نیافته‌اند؛ به‌ویژه تکامل و تغییر در ارزش‌هایی مانند انعطاف‌پذیری، مردم‌واری، خودبسندگی، نمادگرایی و معنا، تعامل و تعاون و پرهیز از بیهودگی و قناعت.

لازم است مجتمع‌های مسکونی، با بهره‌گیری از راهکارهای پیشنهادی پژوهش که براساس شاخص‌های تضعیف‌کننده پایداری فرهنگی ارائه شده است، کیفیت سکونتی را ارتقا دهند و با مد نظر قراردادن الزامات معماری معاصر و آنچه نسل حاضر در مسکن امروزی بدان نیاز دارد، فرهنگ ایرانی را در خود متجلی سازند. اصلاح ضوابط و مقررات کمی ساخت‌وساز مسکن از جانب مسئولان و سازندگان شهری و سازمان‌های تصویب‌کننده این قوانین از جمله شهرداری‌ها و تغییر آن‌ها به ضوابط اجرایی و دستورالعمل‌های کیفی ساخت‌وساز مسکن شهری براساس یافته‌ها و نتایج به‌دست‌آمده در رابطه با شاخص‌های پایداری فرهنگی در این پژوهش، می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.



- Hawkes, J. (2001). The fourth pillar of sustainability: Culture's essential role in public planning. Australia: Cultural Development Network.
- Hegazy, S. (2015). Cultural Sustainability between Traditional and Contemporary Omani Residences –A Comparative Case Study. *European Journal of Sustainable Development*, No. 42, 185-194.
- Heydari, A. A. (2018). Investigating residential desirability criteria in three scales: apartment unit, residential building & neighborhood (case study: Mashhad). *Haft Hesar Environmental Studies*, No. 23, 19-30 [in Persian].
- Heydari, J. (2013). Basics and concepts of sustainable development and sustainable urban development. Tehran: Azarakhsh Press [in Persian].
- Khoshandam, Z., vaziri, V., & Hatami Khanghahi, T. (2018). Solutions to preserve local architectural values in the design of contemporary buildings and neighborhoods in Ardabil city. *Andisheye memari*, 2 (4), 45-52 [in Persian].
- Lehsayzadeh, A. A. (2007). Sociology of development. Tehran: Payam Noor University Press [in Persian].
- Lynch, K. (2002). The theory of city form. Translated by Bahraini, Tehran: Tehran University Press [in Persian].
- Maleki, H., Hashemian, F., & Agha Mohammadi, J. (2015). Cultural development strategies from Imam Ali's point of view: dimensions and components. *Social-Cultural Development Studies*, 4 (2), 34-9[in Persian].
- Mofidi, S. (2018). Indicators of cultural and social sustainability in the field of housing. Tehran: Kian-e Danesh Press [in Persian].
- Molina Neira, B. A. (2018). Integrating culture and heritage in sustainable development: challenges and possibilities. *Journal of humanities*, 8(1), 1–33.
- Naghizadeh, M. (2002). The influence of architecture and city on cultural values. *Honarhaye Ziba*, No. 11, 62-76 [in Persian].
- Alimohammadi, GH., & Abdollahi, R. (2017). Explaining the basics of cultural representation in Iranian native architecture and its relationship with creating a sense of belonging to a place. *Urban Management*, No. 50, 33-46 [in Persian].
- Asefi, M., & Imani, E. (2012). Challenges of new technologies in architecture and its interaction with Iranian Islamic architectural values. *Bagh-e Nazar*, 21 (9), 3-21 [in Persian].
- Azkiya, M., & Ghaffari, G. R. (2005). Sociology of Development. Tehran: Keyhan Press [in Persian].
- Bakri, M. (2018). The role of culture in implementing the concept of sustainability. *Earth and Environmental Science*, 126 (137), 1-8.
- Barton, H., Grant, M., & Guise, R. (2021). *Shaping Neighbourhoods For Local Health and Global Sustainability*. London: Routledge press.
- Behzadi, K., Imam Qolizadeh, S., & Razavi, H. R. (2021). Identifying the components of cultural development in a qualitative study of cultural centers with a hierarchical analysis approach. *Islamic Art Studies*, 18 (44), 91-101 [in Persian].
- Central Bank (2009). The results of surveying the construction activities of the private sector in the urban areas of different provinces of Iran in 2008. Tehran: Central Bank of the Islamic Republic of Iran [in Persian].
- Diba, Darab (1999). Inspiration and impression from the fundamental concepts of Iranian architecture. *Journal of culture and architecture*, 1 (1), 97-111 [in Persian].
- Doubleday, N., Mackenzie, F., & Dalby, S. (2004). Reimagining sustainable cultures: Constitutions land & art. *Geographie Canadien*, No. 4, 389-402.
- Einifar, A. (2000). Human-environmental factors effective in the design of residential complexes. *Honarhaye Ziba*, No. 32, 39-50 [in Persian].
- Gravand, M., & Parvaneh, F. (2016). Cultural development and investigation of its features, dimensions and goals from Imam Khomeini's point of view. *Matin research paper*, No. 78, 127-145 [in Persian].





with quantitative indicators of physical density (case study: three residential complexes in Tabriz metropolis). *Danesh\_e Shahr*, No. 3, 97-114 [in Persian].

Sakhiniya, R., Karami, A., Rafiyan, M., & Javan Forouzandeh, A. (2020). Cultural sustainability, housing density and typology; Case study: Examples of residential areas in Tabriz metropolis. *Studies of Iranian Islamic City*, 10 (38), 65-74 [in Persian].

Salahimehr, F., & Hashempour, P. (2022). Cultural identity in housing; Analysis of Iranian-Islamic values in the architecture of Tabriz traditional houses (Salmasi house, Behnam house and Amirmizam house). *Memari Shenasi*, No. 23, 32-46 [in Persian].

Salehi Milani, S. & Mohammadi, M. (2010). Goals and indicators of cultural sustainability. *Letter of architecture and urban planning*, 3 (5), 81-98 [in Persian].

Salehi Milani, S., & Mohammadi, M. (2011). Compilation of policy indicators with the aim of realizing cultural sustainability; Case Study: Metropolitan area of Tehran. *Urban Management*, 9 (27), 41-58[in Persian].

Soudmand, N., Imam Jome, F., & Shekarbeygi, A. (2021). Sociological analysis of the role of space and architecture of cultural centers in sustainable cultural development (case study: cultural centers of Tehran). *Iranian Social Development Studies*, No. 2, 7-18 [in Persian].

Steward, J. H. (1972). *Theory of culture change: The Methodology of Multilinear Evolution*. Urbana: university of Illyrians press.

Tavakoli, F. (2011). The role of the media in the cultural democracy of the contemporary world, interdisciplinary studies in media & culture. *Research Institute of Humanities & Cultural Studies*, No. 1, 85-98[in Persian].

Tavasoli, G. A. (1994). Comprehensiveness of the concept of development and relationship with culture. *Proceedings of the Sociology of Development Seminar*. Samt Press, No. 15, 24-33 [in Persian].

UNESCO. (1997). *Culture and development*. translated by Nematullah Fazli and Mohammad

Nakhaei H. (2010). The relationship of cultural development with creativity and innovation. *Pazhohesh Nameh*, No. 66, 179-192 [in Persian].

Nikfetrat, M., & Bitaraf, A. (2016). Investigating cultural influences in the native architecture of Iran from the point of view of sustainability. *Mahnameye Shabak*, No, 4-5, 126-134 [in Persian].

Pahlavan, Ch. (2002). *Cultural development*. Translated by Sabouri and Amirshahi, Tehran: Khane Ketab [in Persian].

Panahi, M. H. (2014). Cultural development, the necessity of economic, social and political development. *Welfare and Social Development Planning*, No. 22, 1-23 [in Persian].

Parvizi, E. (2009). National architecture from the point of view of cultural identity. *National Studies*, No. 3, 81-108 [in Persian].

Pilotti, L., & Rinaldin, M. (2004). *Culture & arts as knowledge resources towards sustainability for identity of nations and cognitive richness of human being*. Italy: Department of Economics University & Departmental Working Papers.

Pourmohammadi, M. (2008) *Housing planning*. Tehran: Studying and compiling humanities books of universities [in Persian].

Prescott-Allen, R. (1997). *Barometer of Sustainability: measuring and communicating wellbeing and sustainable development*. IUCN, Gland, CH.

Qalambardezfouli, M., Naghizadeh, M., & Majedi, H. (2016). Explaining the basics of factors affecting housing quality indicators. *Hoviyat-e Shahr*, No. 36, 97-110 [in Persian].

Roseland, M. (2005). *Towards sustainable communities: Resources for citizens and their governments*. Island: New Society press.

Sahebi, M. J. (2005). *Religion & culture relations in Iranian society*. Ministry of Culture & Guidance [in Persian].

Sakhiniya, R., Karami, A., Rafiyan, M., & Javan Forouzandeh, A. (2019). Investigating qualitative indicators of cultural sustainability in connection



Yazdanfar, A., Hosseini, B., & Zaroudi, M. (2013). Culture and the shape of the house. *Housing and Village Environment*, 32 (144), 17-32 [in Persian].

Zarghami, I., Khaki, A., & Sadat, S. A. (2015). Comparative study of sustainable architecture and its compatibility with native architecture of traditional houses in Iranian-Islamic city. *Sustainable Architecture and Urban Design*, 3 (1), 15-30 [in Persian].

Fazli, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance [in Persian].

UNESCO. (2001). Universal Declaration on Cultural Diversity, Adopted by the 31st General Conference of Unesco.

UNESCO. (2005). Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, Adopted by the 33rd General Conference of Unesco.



سال یادیم / شماره اول / اردو تابستان 1402

